





[illegible]

ابتدای ختم این حقیر از روز جمعه بیست و چهارم
شهر شوال المکرم اول جمعه دویم شنبه سیم
یکشنبه چهارم دوشنبه پنجم سه شنبه
ششم چهارشنبه هفتم پنجشنبه هشتم جمعه نهم شنبه
دهم یکشنبه یازدهم دوشنبه دوازدهم سه شنبه سیزدهم چهارشنبه چهاردهم پنجشنبه
پانزدهم جمعه شانزدهم شنبه هفدهم یکشنبه هجدهم دوشنبه نوزدهم سه شنبه
بیستم چهارشنبه بیست و یکم پنجشنبه بیست و دوم جمعه بیست و سیم شنبه بیست و چهارم یکشنبه
بیست و پنجم دوشنبه بیست و ششم یکشنبه بیست و هفتم چهارشنبه بیست و هشتم
پنجشنبه بیست و نهم جمعه سیم شنبه

[illegible] ۱۲۸۶

شرح جواهر الآیات

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

روایت کنند از یونس بن طاهر که امام بلخ بود که وی فرمود مردی بود
در اصفهان که او را محمد بن اسامه مقری میخواندندی مردی مقری
و عالم بود چنانکه در دوزگار او کسی بر حبر او نبود و دشمنان
او را بمذهب قرامطه متهم کردند و بدین سبب او را بزندان کردند
قریب یکسال در زندان بماند بحکم ایزد تعالی پس شبی از شبها چون از نماز
فارغ شده بود دست برداشته روی سوی آسمان کرد و گفت یا رب
تو دانی که من از این تهمت بی گناهم و از مرگ نمیترسم از آن میترسم
که از جهان بیرون نامی بیرون باید شد و دشمنان شاد کردند تو خدای
عالم الاسراری و کریمی و قادری که مرا ازین تهمت بزرگ بیرون آری
و این کل از این بنده ضعیف خویش برداری و برین اندیشه بخفت
در سحرگاه رسول الله علیه الصلوة والسلام را در خواب دید که در مسجد
نشسته بود وی را گفت یا محمد اسامه ترا اجر رسیده است که بدین حال
شده و عاقبت خود بگفت پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرمود دل فارغ

برخیز و مصحف جامع قرآن برگیر و از وی هفت ورد بیرون کن از جمله
روز آدینه همه تحمیدات که در قرآنست روز شنبه همه استغفارات ۸ ۲۱
روز یکشنبه همه تسبیحات روز دوشنبه همه توکلات روز سه شنبه ۳۳ ۵۳ ۴۳
همه تسلیمات روز چهارشنبه همه تهلیلات روز پنج شنبه همه ۷۸ ۹۰
دعوات برین ترتیب میخوان تا مدت بیست و یک روز بوقت چاشت
گاه پس از آنکه ورد خوانده باشی چهار رکعت نماز کن بخوان در هر
رکعتی یکبار الحمد و سوره والعادیات یازده بار چون از نماز فارغ
شوی ده بار بگوی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و
له الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت وهو علی کل شیء قدیر
و ده بار بر من که رسولم صلواة بده پس از آن سر بسجده نه و از ایزد تعالی
حاجت بخواه تا حاجت تو روا کرده و ترا از آن بلا خلاص کرد اند محمد
اسامه گوید چون این خواب دیدم و بیدار شدم و دانستم که این خواب
حقست که دیو خود را بر صورت پیغمبر علیه الصلوة والسلام ننماید و دل
مشغول به رسول الله صلعم بنا شد در حال برخواستم و وضو ساختم و در نماز
ایستادم چون از نماز فارغ شدم کتاب الله پیش آوردم و آنچه رسول
علیه الصلوة والسلام فرموده بود از این آیتها وردها بیرون آوردم و تا.
بیست و یک روز در آن وقت که رسول علیه الصلوة والسلام فرموده بود آن
نماز بگزاردم و آن دعوات بخواندم و آن صلوات بدادم پیش از آنکه

بسم الله الرحمن الرحیم
وَالْعَادِیَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِیَاتِ
قَدْحًا فَالْمُغِیرَاتِ صُبْحًا
فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ
بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ
لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ عَلَى
ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ
لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا
يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي
الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي
الصُّدُورِ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ
يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

سر بر زمین نهم خلقی انبوه دیدم چنانکه ممکن نبود سر بر زمین نهادن
و حاجت خواستن چون نگه کردم قاضی و رئیس و مشایخ و بزرگان
اصفهان را دیدم و مرا بهزار گونه عزت و حرمت و مرتبت و کرامت
اندر زندان بیرون آوردند و تواضعها کردند و نثارها بخشیدند هم
در ان ساعت مرا خطیبی اصفهان دادند و مرا از ان حال عجب آمد
خواستم تا چگونگی حال از ان قوم معلوم کنم اعتماد بر قاضی شهر کردم
و از وی پرسیدم قاضی از تمامی حال مرا خبر داد و گفت یا محمد اسلم
من دوش در خواب دیدم چنانکه شخصی مرا می گفت که فردا سیلی عظیم
درین شهر خواهد آمد چنانکه همه شهر و ولایت خراب خواهد شد
اگر مسلمانان باتفاق بروند و محمد اسلم را از ان زندان بیرون آرند
و عذر خواهند و بجای او نیکی کنند این بلا دفع گردد من این خواب را
با مشایخ بگفتم و همگان باتفاق از بهر خلاص و عذر خواستن تو آمدیم
چون درین سخن بودیم که ناگه سواری در رسید و گفت چه می پایید
که سیلی عظیم آمد و گرد بر گرد شهر فرو گرفت اما ایستاده و هیچ
زیان و خرابی نمی کند سادات و مشایخ گفتند خواب قاضی درون
درست گشت و همه قوم پیش من معتذر آمدند و همه در دست و پای
من افتادند و عذرها قبول میکردم پس او قل شادمان دست بر داشتم
و دعا میکردم تا ان سیل باز پس گردید بقدرت خدای تعالی

تا ببیند

تا ببیند شد و زمین چنان خشک گردید که گویی هرگز آب بدان زمین
نرسیده است محمد بن اسلم بدانست که آنهمه کرامت از برکت این اوراد بود
دل از دنیا بیکبار برگرفت و حق تعالی را شاکر داری کرد و دایم این اوراد
بخواند میخواند تا زمان وفات پس هر بنده که خویشتن را ورد وی سازد
از این اوراد اوراد بهتر و نیکوتر نباشد که همه قرانست و همه دعای حق تعالی
میفرماید که لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و جایی دیگر میفرماید که و لو ان قرانا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و عجب
اگر قرانرا بر کوه خوانی پاره پاره گردد و در شور آید و اگر بر زمین
خوانی بریده گردد و اگر بر مرده خوانی زنده گردد و در سخن آید چون
کلام حق سبحانه و تعالی است و بکلام مخلوق نماند و رسول صلی الله علیه و آله
و سلم میفرماید فضل کلام الله تعالی علی سایر الکلام کفضل الله علی خلقه
پس یقین خواننده باید که درست باشد و نیت پاک و اعتقاد خالص
خدا بنده باشد و با او باشد تا او فریفتکار با او باشد که من کان لله
کان الله له شرح این اوراد مختصر گفته آمد لیکن خردمندرا اینقدر
کفایت بود غرض انکه فضل و شرف این اوراد باید که بحقیقت بدانند
و یقین باشد که اموخته پیغمبر علیه الصلوة و السلم است و فرموده اوست
و حق و صدق است خاصه که انکلام الله بود و هر که در بزرگی این اوراد

اعتقاد بود و بنده باشد از سستی ایمان بود و از فواید آن در دو جهان
محروم باشد بلکه از حسن اعتقاد این اوراد را از تمامت اذکار و
دعوات نزدیکتر و فاضلتر داند و شرایط آن از وجوه بجای آورند
و بصدق دل و یقین از نسخه تمام متکمل خوانند و هیچ آیه فرو نگذارند
و از اول آیه تا آخر چنانکه درین نسخه نوشته می باید بخوانند که مستخرج
این رحمة الله علیه بفرمان رسول صلعم برین وجه استخراج کرده است و خوانده
و بمقصود رسیده و چند نسخه که بدست این ضعیف آمد در آنها تفاوت
و زیاده و نقصان بود و بوقت درس و تلاوت قرآن آیتی چند ازین
آیات تحمیدات و تسبیحات و تهلیلات در قرآن می یافتم که درین نسخها
نبود اما بر تقلید و اعتقاد نویسندگان از نسخها همچنان مدتها میخواندم
از بهر مهم دینی و هیچگونه برنمی آمد تا شبی درین فکر بودم و در بیشه اندیشه
در خواب شدم و رسول صلعم را در خواب دیدم در خلوت من آمد و آن
خلوت تنگ و تاریک بنور او روشن و منور شد و از لطف از من بجان
پرسید که تو را چه بوده است و این اندوه و فکرت تو از چیست گفتم یا
رسول الله مدتهاست که اوراد محمد بن اسامه را بفرموده تو میخوانم تا
بمقصود رسم هیچ اثر اجابت آن بظهور نمی آید بدین سبب دل مشغول
میباشم رسول علیه الصلوة والسلم فرمود که نمیدانی که این نسخها تمام نیست
تو نیز از قرآن استخراج کن و نسخه تمام بنویس و میخوان تا هم درین ایام

حاجت

حاجت تو روا گردد و متضمن فواید دیگر شود من در اثنای این حال بیدار
شدم یقینم شد که حق و صدق است روز دیگر مصحف را در نظر آوردم و به
اتمام آن قیام نمودم بفرمان رسول صلعم و بتوفیق ایزد جل و علا این آیات
را استخراج کردم بعد از فراغ بیست و یکروز بر حسب اشارت رسول صلعم
میخواندم از فضل حق سبحانه وتعالی مقصودی که بود حاصل شد و در آن
سالها قحط شد که بندگان خدای تعالی بجلا و غلا مبتلا شده بودند و از
غایت فقر و فاقه بجان رسیده بودند چنانکه شبها بار بار اطفال بیگناه
یارب یارب میکردند همچنین شنوانده و دل درویشان و یارب یارب
اطفال ایشان آتشی بر دل این سوخته خرمن افتاد چنانکه طاقت شکیبائی
و خاموشی نبود در گریه و زاری و گفتار دیوانگانه آمدم و گستاخ
وار در حضرت خداوندگار گفتم ای کریم کارساز و ای رحیم بنده نواز
از آثار کرم و بخشایش و مهربانی و رحیمی و رحمانی تو گوارای مادران
و پدران این اطفال چون من عاصی بیچاره و گنه کار بند باری طفلکان
خود را چه گناهست که ایشان اگر سنگی بکشی نه آخر فرموده وَلَا تَزِرُ
وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى برحیمی و رحمانی که بر بیچارگان بخشای و دری
از فضل و کرم خویش برین عاجزان درویش بخشای دیگر بار رسول صلعم
را بخواب دیدم و گفتم یا رسول الله از بهر درویشان و اطفال ایشان
که شبها تا روز یارب یارب میدارند و این بیچاره نیز مدتهاست که بر خصب

اشاره شما این اوراد میخوانم وان خدای تعالی میخواهم که بفریاد بندکان

رسد و نعمت بر ایشان فراخ کرد اند شر سو نا اطفال بیکناه سود میدارد

وشد عاواه بیران بی کناه تضرع وزاری بدین سبب است رسول

فرمود ایات ارزاق بیرون از قران استخراج کن و با این اوراد میخوان

تا این حاجت بر روا کردد و این ایت را بر خواند وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ

ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ

مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ وبعد از قراءت این غایب شد من بیدار شدم

و سر از سجده بر کرفتم و خلوت را چنان روشن و منور دیدم که چشم خیره میشد

از نور رسول و بوی مشک و عنبر مشام جان این بیچاره میرسید و از

غایت خرمی و بشاشت شکر کردم و هم در ان شب برین مصلحت مشغول

شدم و این اوراد را بان منضم کردم و در ان ایام روز بروز اثار آن

ظاهر میشد و بعد از بیست و یک روز هر که را میدیدم خوشدل و شاد

و شاکر بود و نعمت فراخ کشت و قحط برفت غرض ازین انکه تا رغبت

صالحان و صادقان بر خواندن این اوراد بیفزاید و اعتقاد اهل ارادت

در وظایف طاعت و عبادت زیاده شود و سبب مزید جمعیت و تضاعف

اسایش و راحت باشد والله التوفیق والهادی الی سواء الطریق

والحمد لله حق حمده والصلوة علی نبیه محمد

خیر خلقه واله اجمعین

جواهر الآيات

ليوم الجمعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

سپاس و ثنا خاص مر خدایرا که پروردکار عالمیانست مهربانست پادشاه روز جزا

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

خاص ترا عبادت میکنیم و خاص ترا بیاری میطلبیم ثابت دار ما را براه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

راه آنچنان کسان که انعام کرده بر ایشان نه انکه غضب کرده بر ایشان

وَلَا الضَّالِّينَ البقره وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ

و نه راه کمراهان و یاد کن چون کفتیم ما مر فرشتکان را که من افریننده ام

فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا

در زمین خلیفه را کفتند ملایکه ایا می افرینی در زمین کسی را که فساد کند در ان

يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ

و بریزد خونها را و ما که فرشتکانیم تسبیح میکنیم بستایش تو و تقدیس میکنیم ترا

آل عمران لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا

البته البته مپندار انانکه شادی میکنند بانچه کردند

ويحبون ان يحمدوا بما لم يفعلوا فلا تحسبنهم
و دوست میدارند انکه ستوده شوند بانچه نکردند پس البته مپندار
بمفازة من العذاب ولهم عذاب اليم **الانعام**
خلاصی از عذاب و مر ایشانراست عذابی دردناک

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل
سپاس و ثنا خاص مر خدای که افرید آسمانها و زمین را و ایجاد کرد
الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون
تاریکیها و روشنائی را پس انکسانکه کافر شدند بپروردگار خود برابر شدند
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب
پس بریده شد اصل القوم آنچنان قومی که ستم کردند و شکر مر خدایرا که پروردگار
العالمين **الاعراف** ونزعنا ما في صدورهم من غل
عالمیانست وکندیم ما انچه در سینهای ایشان بود از حسد و کینه
تجري من تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله الذي
روانست از زیر منازل ایشان جویها و گویند شکر مر خدای را آن خدائی
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه راست یابیم اگر نه آن بود که راه نمود ما را خدا

لقد

لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم
هر آینه بتحقیق که آمدند رسولان پروردگار ما براستی و ندا کرده شوند بانکه این
الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون **يونس**
بهشت میراث داده شد مر شما را بسبب انچه بودید که عمل کردید
ان الذين امنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم
بدرستی که آنکسانکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند راه نماید ایشانرا پروردگار
بايمانهم تجري من تحتهم الانهار في جنات النعيم
بسبب ایمان ایشان روان شود از زیر منازل ایشان جویها در بوستانهای پر نعمت
دعواهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها
خواندن ایشان در آن بهشت که بپاکی یاد میکنیم ترا خداوندا و درود ایشان در آن
سلام واخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمين
سلامست و آخر خواندن ایشان انکه سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیانست
ابرهيم الحمد لله الذي وهب لي على الكبر
سپاس مر خدایرا آن خدای که بخشید مرا به پیری و آخر عمر
اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء **الرعد**
اسمعیل و اسحق بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنونده دعاست
هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ
اوست آن خدائی که مینماید شما را برق بجهت ترس و امید شما و بر می انگیزد

السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده و
ابرها گرانبار را و تسبیح میکوید رعد بستایش او و
الملائكة من خيفته ويرسل الصواعق
و تسبیح میکویند فرشتگان از ترس او و میفرستد صاعقها را
فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون في الله
پس میرساند بآن کسی را که میخواهد و ایشان مجادله میکنند در امر خدا
وهو شديد المحال **الحجر** فسبح بحمد ربك وكن
و او سخت عقوبتست پس تسبیح کوی بستودن پروردگار خود و
من الساجدين واعبد ربك حتى يأتيك اليقين **النحل**
و باش از سجده کنندگان و پرستش کن پروردگار تا آنکه بیاید ترا مرگ
ضرب الله مثلا عبدا مملوكا لا يقدر على شيء و
زد خدای تعالی مثلی بنده زر خرید را که قادر نباشد بر هیچ چیز
من رزقناه منا رزقا حسنا فهو ينفق منه سرا و
و آنکه روزی دادیم ما او را از ما روزی دادنی نیکو پس او نفقه میکند از آن پنهان
جهرا هل يستوون الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون
و آشکارا آیا برابر هستند سپاس مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند
الاسراء يسبح له السموات السبع والارض ومن
تسبیح میکوید مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس

فيهن وان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون
که در آنهاست و نیست هیچ چیزی مگر که تسبیح میکوید بستایش او و لیکن در نمی یابید شما
تسبيحهم انه كان حليما غفورا يوم يدعوكم
تسبیح ایشان را بدرستی که او هست بردبار و آمرزنده روزی که بخواند شما را
فتستجيبون بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا
پس طلب اجابت کنید بستایش او و گمان برید که درنگ نکنید مگر اندکی
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن اياما تدعوا فله
بگو بخوانید الله را یا بخوانید رحمن را هر کدام را که میخوانید پس
الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت
مر او راست نامهای نیکو و بلند مخوان بنماز خود و آهسته مخوان
بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي
بآن و بجوی میان آن و این راهی و بگوی سپاس مر خدا را آن خدای
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن
که فرا نگرفت فرزند را و نبوده و نیست مر او را انبازی در پادشاهی و نبود
له ولي من الذل وكبره تكبيرا **الكهف**
و نیست مر او را یاری دهنده از خواری و بزرگ کوی او را بزرگ گفتنی

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له

سپاس و ثنا مر خدای را آن خدای که فرو فرستاد قرآن را و نکرد مر او را

عوجا قيما لينذر باسا شديدا من لدنه و يبشر

کج بلکه راست و درست از برای آنکه بیم دهد بعذاب سخت از نزد او و بشارت

المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا

دهد مومنان را آن مومنانی که میکنند عملهای نیکو آنکه بتحقیق مر ایشان راست

حسنا ماكثين فيه ابدا طه فاصبر على ما يقولون

مزدی نیکو درنگ کننده کانند در آن جاوید پس صبر کن بر آنچه میگویند

و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

و تسبیح گوی بستودن پروردگار خود پیش از برآمدن آفتاب و پیش از

غروبها و من اناء الليل فسبح و اطراف النهار

فرو شدن آن و بعضی از ساعتهای شب پس تسبیح گوی و طرفهای روز

لعلك ترضى المؤمنون فاذا استويت انت و من

امید است که تو خشنود شوی پس هرگاه راست نشستی تو و آنکسی که با تست

معك على الفلك فقل الحمد لله الذي نجانا من القوم

بر کشتی پس بگو سپاس مر خدای را آن خدای که رهانید ما را از گروه

الظالمين الفرقان و توكل على الحي الذي لا يموت

ستمکاران و توکل کن بر آن زنده آن زنده که نمیرد

[illegible]

و سبح بحمده و كفى به بذنوب عباده خبيرا

و تسبیح گوی بستایش او و بس است او بگناهان بندگان خود خبردار

النمل و لقد اتينا داود و سليمن علما و قالا

و هر آینه بتحقیق دادیم ما داود و سلیمان را دانائی و گفتند

الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

سپاس مر خدای را آن خدای که فضیلت داد ما را بر بسیاری از بندگان خود

قل الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى

که گرویدگانند بگوی سپاس مر خدای را و سلام بر برگزیدگان او و آن بندگانی

آلله خير اما يشركون و قل الحمد لله سيريكم

که برگزیده آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک میگردانند و بگو سپاس مر خدای را زود

اياته فتعرفونها و ما ربك بغافل عما يعملون

که بنماید شما را نشانهای خود پس بشناسید آن را و نیست پروردگار تو غافل

القصص و ربك يعلم ما تكن صدورهم و ما

و پروردگار تو میداند آنچه پنهان میدارد سینهای ایشان

يعلنون و هو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى

آشکار میکنند و اوست خدا نیست خدای سزای پرستش مگر او مر او راست

و الاخرة و له الحكم و اليه ترجعون العنكبوت

و آخرت و مر او راست حکم و بسوی او باز گردیده شوید

[illegible]

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ
و هر آینه اگر بپرسی ایشان را که فرو فرستاد از آسمان آب پس زنده
الْأَرْضَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
کرد بآن زمین را بعد از مردن آن هر آینه میگویند خدا بگوی سپاس مر خدای را
بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ الرّوم فَسُبْحَانَ اللَّهِ
بلکه بیشتر ایشان عقل ندارند و نمیدانند پس تسبیح گویید تسبیح گفتن خدا را
حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
وقتی که شام میکنید و وقتی که صباح میکنید و مر او راست ستایش در
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
آسمانها و زمین و در وقت عصر و وقتی که پیشین میکنید
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ
بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میگرداند
يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ لقمان
زمین را بعد از مردن آن و همچنین بیرون آورده میشوید شما
وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
و هر آینه اگر بپرسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را هر آینه
اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ لِلَّهِ
میگویند خدا بگو سپاس و ثنا مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ السجدة
مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده شده
إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا
جز این نیست که ایمان می آورند بآیات ما کسانی که هرگاه پند داده شوند بآن
سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
یاد داده شوند بآن بروی در افتند سجده کنندگان و تسبیح گویند
سبا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ
سپاس و ثنا مر خدا را آنکه مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فاطر
و مر او راست ستایش در آخرت و او حکیم محکم کار
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ
سپاس مر خدا را که آفریننده آسمانها و زمین است گرداننده فرشتگان است
رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ
رسولان صاحبان بالها دو دو و سه سه و چهار چهار زیاده میکند

فِی اَلْخَلْقِ مَا یَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَقَالُوا

در آفرینش آنکه میخواهد بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است وگفتند

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ

سپاس وثنا مر خدا را آن خدای که ببرد از ما اندوه را بدرستی که پروردگار ما آمرزنده

شَکُوْرٌ الصافات سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

آمرزنده سپاس دارنده پاک و منزه دار منزه داشتن پروردگار خود را

یَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

وصف میکنند وسلام باد پیغمبران مرسل وسپاس مر خدا را که پروردگار

الْعَالَمِیْنَ الزمر ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَجُلًا فِیْهِ شُرَکَاءُ

عالمیانست زد خدا مثل مردی که در و باشند انبازان

مُتَشَاکِسُوْنَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ یَسْتَوِیَانِ

بد معامله کنندگان ومردی که صلح کند با مردی دیگر یا برابر ند از روی

مَثَلًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَکْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُوْنَ وَقَالُوا

مثل سپاس مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند وگفتند

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ

ثنا مر خدا را آن خدای که راست گردانید ما را وعده خود میراث داد ما را زمین

نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَیْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِیْنَ

جا میکنیم از بهشت هر جا که میخواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان

وَتَرَی الْمَلٰئِکَةَ حَآفِّیْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُوْنَ

وببینی فرشتگان را سعی کنندگان از دور عرش تسبیح میگویند

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِیْلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

بستایش پروردگار خود وحکم کرده شد میان ایشان براستی وگفته شد سپاس مر خدا را

رَبِّ الْعَالَمِیْنَ المؤمن الَّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ حَوْلَ الْعَرْشِ

که پرورنده عالمیانست آنانکه برمیدارند عرش را

وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ

وآنانکه بر دور آنند تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود آمرزش میخواهند

لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

از برای آنکه ایمان آوردند ندا میکنند که پروردگارا گنجیده همه چیز را از حیثیت

فَاغْفِرْ لِلَّذِیْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِیْلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ

پس بیامرز مر آنانرا که بازگشت کردند ومی گردند در راه تو او نگاهدار ایشان را از عذاب

الْجَحِیْمِ فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ

دوزخ پس صبر کن بدرستی که وعده خدا راست است وطلب آمرزش کن برای گناه

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَالْاِبْکَارِ هُوَ الْحَیُّ

وتسبیح گوی بستایش پروردگار خود بشام وصباح او آن زنده است

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

که نیست سزای پرستش مگر او پس بخوانید او را در حالیکه خالص گردانیده‌اید

رب العالمين شوری تكاد السموات يتفطرن

که پروردگار عالمیانست / نزدیکست که آسمانها شکافته شوند

من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد ربهم

از بالای آنها و فرشتگان تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود

ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله هو

و آمرزش میخواهند از برای آنانکه در زمین اند آگاه باشید بدرستی که خدا

الغفور الرحيم الجاثية فلله الحمد رب السموات

او آمرزنده مهربانست / پس مر خدار است ثنا که پروردگار آسمانها

ورب الارض رب العالمين وله الكبرياء

و پروردگار زمین پروردگار عالمیانست و مر او راست بزرگی

في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ق

در آسمانها و زمین و او غالب و ارجمند و محکم کار است

فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل

پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح گوی بستایش پروردگارت پیش از

طلوع الشمس وقبل الغروب ومن الليل فسبحه

طلوع آفتاب و پیش از فرو شدن آن و بعضی از شب پس تسبیح گوی او را

وادبار السجود الطور واصبر لحكم ربك فانك

و از عقب سجده کردن / و صبر کن مر حکم پروردگار خود را پس بدرستی

باعيننا وسبح بحمد ربك حين تقوم ومن الليل

که تو در حمایت مائی و تسبیح گوی بستایش پروردگار خود وقتی که میخیزی و از شب

فسبحه وادبار النجوم التغابن بسم الله الرحمن الرحيم

پس تسبیح گوی او را و از عقب ستارها / بنام خدای بخشاینده مهربان

يسبح لله ما في السموات وما في الارض له الملك

تسبیح میگوید خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی

وله الحمد وهو على كل شيء قدير النصر

و مر او راست ستایش و او بر همه چیز تواناست

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس

هرگاه آمد نصرت و یاری خدا و فتح و ظفر او و دیدی تو مردمان را

يدخلون في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك

که در می آیند در دین خدا فوج فوج پس تسبیح گوی بستایش پروردگار خود

واستغفره انه كان توابا يا رازق المقلين

و آمرزش خواه از و بدرستی که او هست بسیار توبه قبول کننده ای روزی دهنده درویشان

وراحم المساكين

ای رحم کننده مسکینان

الاستغفارات ليوم السبت

البقرة ثم افيضوا من حيث افاض الناس واستغفروا
پس بازگردید از جایی که باز میگردند مردمان و امرزش خواهید
الله ان الله غفور رحيم آل عمران الصابرين والصادقين
خدا را بدرستی که خدا امرزنده مهربانست
آن صبر کنندگان و راستگویان
والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار
و عبادت کنندگان و نفقه کنندگان و امرزش خواهندگان بسحرها
والذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا
و آنانکه هرگاه کردند عمل قبیح را او ستم کردند بر نفسهای خود یاد کردند
الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب
خدا را پس آمرزش خواستند از برای گناهان خود و کیست که بیامرزد گناهان را
الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون
غیر از خدا و اقامت و ثبات نکردند بر آنچه میکردند و ایشان میدانند
فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا
پس بسبب نعمتی از جانب خدا نرم گردیدی از برای ایشان و اگر میبودی تندخو
غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم
سخت دل هر آینه باز میگشتند از دور تو پس درگذر از گناه ایشان

واستغفر لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمت
و آمرزش طلب از برای ایشان و مشورت کن با ایشان در کار خود پس هرگاه عازم شدی
فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين
پس واگذار کار خود بر خدا بدرستی که خدا دوست میدارد توکل کنندگان را
النساء وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله
و نفرستادیم ما هیچ پیغمبری را مگر از برای آنکه فرمانبرند اورا
ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا
و اگر آنکه ایشان آنهنگام که ستم کردند بر نفسهای خود می آمدند ترا پس آمرزش میخواستند
الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
از خدا و آمرزش میخواست از برای ایشان پیغمبر هر آینه می یافتند خدا را بسیار توبه پذیر
رحيما انا انزلنا اليك الكتاب بالحق لتحكم
مهربان بدرستی که ما فرو فرستادیم بسوی تو قرآن را براستی از برای آنکه حکم کنی
بين الناس بما اريك الله ولا تكن للخائنين
میان مردمان بآنچه نمود ترا خدای و مباش از برای خیانت کنندگان
خصيما واستغفر الله ان الله كان غفورا
خصومت کننده و آمرزش خواه خدا را بدرستی که خدا هست آمرزنده
رحيما ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله
مهربان و هر که میکند بدی را یا ستم کند نفس خود را پس آمرزش خواهد خدا را

يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَحِيمًا المائدة أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللّٰهِ

می یابد خدا را آمرزنده مهربان — آیا پس بازگشت نمیکنند بسوی خدا

وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ الاعراف وَيَقُولُونَ

و آمرزش خواهند او را و خدا آمرزنده مهربانست — و میگویند

سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ

زود باشد که آمرزش شود از برای ما و اگر آید ایشانرا نشانه مانند آن فرا میگیرند آنرا

عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا

آیا فرا گرفته نشد بر ایشان عهد و پیمان کتاب خدا که نگویند بر خدا مگر راستی

الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ

و خواندند آنچه در آن بود و سرای آخرت بهترست

لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ الانفال وَمَا كَانَ اللّٰهُ

از برای آنکه پرهیزکاری میکنند آیا پس نمیدانند — و نیست و نبود که خدا

لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّٰهُ مُعَذِّبَهُمْ

عذاب کند ایشانرا و حال آنکه تو در میان ایشانی و نیست خدای عذاب کننده

وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ التوبة اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ

در حالیکه ایشان آمرزش خواهند — آمرزش خواه از برای ایشان یا آمرزش طلبی

لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ

از برای ایشان هفتاد نوبت پس هرگز نیامرزد خدا

لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاللّٰهُ

مر ایشانرا این بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ

راه نمینماید آن گروه را که بیرون روندگانند از طاعت او — نباید مر پیغمبر را

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ

و آنانرا که ایمان آوردند که آمرزش طلبند از برای مشرکان — و اگرچه

كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ

بوده باشند صاحبان خویشاوندی از پس آنکه ظاهر شد مر ایشانرا که بتحقیق آن مشرکان

أَصْحَابُ الْجَحِيمِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ

یاران دوزخند — و نبود آمرزش خواستن ابراهیم از برای پدر خود

إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ

مگر از جهت وعده که وعده کرده بود آنرا او را پس چون ظاهر شد که او دشمن

لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ هود وَأَنِ

مر خدا را بیزاری گرفت از وی بدرستیکه ابراهیم هر آینه بسیار گوینده آه بردبار بود — و اگر

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا

آمرزش خواهید پروردگار خود را پس بازگردید بسوی او برخوردار کند شما را برخورداری نیکو

إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ

تا مدتی که نام برده شده و بدهد هر صاحب فضلی را فضل او

فان تولوا فانی اخاف علیکم عذاب یوم کبیر
واگر روی بگردانید پس بتحقیق من میترسم بر شما عذاب روزی بزرگ
الی الله مرجعکم وهو علی کل شیء قدیر ویا
بسوی خداست بازگشت شما و او بر همه چیز تواناست وای
قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل
گروه من آمرزش طلبید پروردگار خود را پس بازگشت کنید بسوی او که بفرستد
السماء علیکم مدرارا ویزدکم قوة الی قوتکم
از آسمان بر شما باران را و زیاده کند شما را قوت با قوت شما
ولا تتولوا مجرمین والی ثمود اخاهم صالحا
و روی مگردانید در حالی که جرم کنندگان باشید و فرستادیم قوم ثمود برادر ایشان را صالح را
قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره هو
گفت ای گروه من پرستش کنید خدا را نیست مر شما را معبودی غیر از وی اوست
انشاکم من الارض واستعمرکم فیها فاستغفروه
که بر انگیخت شما را از زمین و عمر داد شما را در آن پس طلب آمرزش کنید او را
ثم توبوا الیه ان ربی رحیم ودود یوسف
پس بازگشت کنید بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان دوست دارنده است
یوسف اعرض عن هذا واستغفری لذنبک انک
ای یوسف اعراض کن از این و آمرزش خواه تو که زلیخا مر گناه خود را

کنت من الخاطئین قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا
بدرستی که تو بودی از خطا کنندگان گفتند پسران یعقوب ای پدر ما آمرزش خواه بهر ما گناهان ما را
انا کنا خاطئین قال سوف استغفر لکم ربی
بدرستی که بودیم خطا کنندگان گفت زود من که طلب آمرزش کنم از برای شما پروردگار خود را
انه هو الغفور الرحیم الکهف وما منع الناس ان
بدرستی که اوست آمرزنده مهربان و چه چیز مانع شد مردمان را
یؤمنوا اذ جاءهم الهدی ویستغفروا ربهم
از آنکه ایمان آورند چون آمد ایشان را رهنمای و آمرزش خواهند پروردگار خود را
الا ان تاتیهم سنة الاولین او یاتیهم العذاب
مگر آنکه بیاید ایشان را واقعه پیشینیان یا بیاید ایشان را عذاب
قبلا مریم قال سلام علیک ساستغفر لک ربی
گوناگون گفت سلام بر تو باد زود طلب آمرزش کنم از برای تو پروردگار را
انه کان بی حفیا النور انما المؤمنون الذین
بدرستی که اوست بمن مهربان نیستند مومنان مگر آنانکه
امنوا بالله ورسوله واذا کانوا معه علی امر
ایمان آوردند بخدا و رسول او و هر گاه بودند با او بر امری
جامع لم یذهبوا حتی یستاذنوه ان الذین یستاذنونک
جامع نمیرفتند تا آنکه دستوری میطلبیدند از او بدرستی که آنانکه دستوری میطلبند

الذين
آنانکه

اولئك يؤمنون بالله ورسوله فاذا استاذنوك
آن گروه که ایمان می آورند بخدا و رسول او پس هرگاه دستوری طلبید از تو

لبعض شانهم فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم
از برای بعض مهمهای خود پس دستوری ده مر آنکس را که خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن

الله ان الله غفور رحيم النمل قال يا قوم لم تستعجلون
برای ایشان خدا را بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست گفت ای قوم من چرا طلب

بالسيئة قبل الحسنة لولا تستغفرون الله لعلكم
شتاب میکنید ببدی عقوبت پیش از نیکوئی چرا آمرزش نمی خواهید از خدا شاید شما

ترحمون ص وظن داود انما فتناه فاستغفر
رحم کرده شوید و گمان برد داود که آزمودیم ما او را پس طلب آمرزش کرد

ربه وخر راكعا واناب المؤمن الذين يحملون
پروردگار خود را و افتاد رکوع کننده و بازگشت کرد آنانکه بر میدارند

العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون
عرش را و آنانکه گرد او اند تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود و ایمان

به ويستغفرون للذين آمنوا ربنا وسعت كل
می آورند و آمرزش میخواهند از برای آنکه ایمان آوردند ای پروردگار ما فرا گرفتی

شيء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك
همه چیز را از حیثیت رحمت و دانش پس بیامرز مر آنانرا که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا

وقهم عذاب الجحيم فاصبر ان وعد الله حق و
و نگاهدار ایشان را از عذاب دوزخ پس صبر کن بدرستی که وعده خدا راست است

استغفر لذنبك وسبح بحمد ربك بالعشي والابكار
و آمرزش خواه برای گناه خود و تسبیح گوی بستایش پروردگار خود بشبانگاه و صباح

السجده قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما
بگوای محمد که نیستم من مگر آدمی مثل شما که وحی کرده میشود بمن که

الهكم اله واحد فاستقيموا اليه واستغفروه
بتحقیق خدای شما معبودی یگانه است پس راست بایستید بسوی او و آمرزش خواهید ازو

وويل للمشركين الذين لا يؤتون الزكوة
و وای مر مشرکان را آنکه نمی دهند زکوة خود را

وهم بالآخرة هم كافرون شورى تكاد السموات
و ایشان به آخرت نگرویدگانند نزدیکست آسمانها

يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد
که شکافته شوند از بالای خود و فرشتگان تسبیح میگویند بپروردگار

ربهم ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله هو
خود و آمرزش میخواهند مر آنکسانرا که در زمین اند آگاه باش بدرستی که خدا

العفور الرحيم محمد ص فاعلم انه لا اله الا
آمرزنده و مهربانست پس بدان که نیست هیچ معبودی

الذین
آنانکه

اولئک یؤمنون بالله ورسوله فاذا استاذنوک
آن گروه که ایمان می آورند بخدا و رسول او پس هرگاه دستوری طلبیدند ترا
لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم واستغفر لهم
از برای بعض مهمهای خود پس دستوری ده مر آنکس را که خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن
الله ان الله غفور رحیم النمل قال یا قوم لم تستعجلون
برای ایشان خدا را بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست گفت ای قوم من چرا طلب
بالسیئة قبل الحسنة لولا تستغفرون الله لعلکم
شتاب میکنید به بدی عقوبت پیش از نیکوئی چرا آمرزش نمیخواهید از خدا شاید شما
ترحمون ص وظن داود انما فتناه فاستغفر
رحم کرده شوید و گمان برد داود که آزمودیم ما او را پس طلب آمرزش کرد
ربه وخر راکعا واناب المؤمن الذین یحملون
پروردگار خود را و افتاد رکوع کننده و بازگشت کرد آنانکه بر میدارند
العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون
عرش را و آنانکه بر دور آنند تسبیح میکنند با ستایش پروردگار خود و ایمان
به ویستغفرون للذین آمنوا ربنا وسعت کل
می آورند و آمرزش میخواهند از برای آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ما فرا گرفتی
شیء رحمة وعلما فاغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک
همه چیز را از حیث رحمت و دانش پس بیامرز مر آنانرا که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا

وقهم عذاب الجحیم فاصبر ان وعد الله حق و
و نگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ پس صبر کن بدرستی که وعده خدا راست است
استغفر لذنبک وسبح بحمد ربک بالعشی والابکار
و آمرزش خواه برای گناه خود و تسبیح گوی با ستایش پروردگار خود بشبانگاه و صباح
السجده قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما
بگو ای محمد که نیستم من مگر آدمی مثل شما که وحی کرده میشود بمن اینکه
الهکم اله واحد فاستقیموا الیه واستغفروه
بتحقیق خدای شما معبودی یکتا است پس راست بایستید بسوی او و آمرزش خواهید از او
وویل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکوة
و وای مر مشرکانرا آنانکه نمیدهند زکوة خود را
وهم بالآخرة هم کافرون شوری تکاد السموات
و ایشان بآخرت ایشان کافرانند نزدیکند آسمانها
یتفطرن من فوقهن والملائکة یسبحون بحمد
که شکافته شوند از بالای خود و فرشتگان تسبیح میگویند پروردگار
ربهم ویستغفرون لمن فی الارض الا ان الله هو
خود و آمرزش میخواهند مر کسانرا که در زمین اند آگاه باش بدرستی که خدای
الغفور الرحیم محمد ص فاعلم انه لا اله الا
آمرزنده و مهربانست پس بدان که نیست معبودی

اللهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللهُ يَعْلَمُ

خدا و آمرزش خواه برای گناه خود و برای مومنان و زنان مومنه و خدا میداند

مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ **الفتح** سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ

مکان بازگشت شما و جای شما را زود بن گویند مر ترا بازماندگان

مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ

از عربان که مشغول کرد ما را مالهای ما و زن و فرزند ما پس آمرزش

لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ

خواه مر ما را میگویند بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان بگو پس کیست

يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ

که باز تواند داشت برای شما از خدا چیزی را اگر خواهد بشما ضرر رسانید یا خواهد بشما

نَفْعًا بَلْ كَانَ اللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا **الذاريات** إِنَّ

نفع رسانید بلکه هست خدا بآنچه عمل میکنید خبردار بدرستی

الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ

که پرهیزکاران در بهشتها و چشمها باشند بهستانی که فرا گیرند آنچه داده

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ كَانُوا قَلِيلًا

بدرستی که ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران بودند که اندکی

مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

از شب میخوابیدند و بسحرها ایشان آمرزش میخواستند

الممتحنة حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ

تا آنکه ایمان آورید بخدا تنها مگر گفتن ابراهیم

لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللهِ مِنْ

مر پدر خود را که هر آینه البته البته آمرزش خواهیم از برای تو و نیستم من نفع کننده برای تو از خدا

شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ

هیچ چیز را ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو بازگشتیم و بسوی تست

الْمَصِيرُ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ ~~الْمُنَافِقُونَ~~ الْمُؤْ

بازگشت همه ای پیغمبر که بیایند ترا زنان

الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللهِ شَيْئًا

مومنه تا بیعت کنند ترا که شرک نیاورند بخدا چیزی را

وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا

و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند فرزندان خود را و نیا

يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ

ورند بهتانی که بربهم بافند آنرا از پیش دستهای خود و پاهای خود

وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ

و نافرمانی نکنند ترا در نیکوئی پس بیعت کن با ایشان و آمرزش خواه

لَهُنَّ اللهَ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ **المنافقون** وَإِذَا قِيلَ

برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست و هرگاه گفته شود مر ایشان را

لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ
مر ایشانرا که بیایید تا آمرزش خواهد برای شما رسول خدا بز بر افکنند سر خود را
وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ سَوَاءٌ
و بینی ایشانرا که بر میگردانند از راه حق و ایشان گردنکشند مساویست
عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
بر ایشان اگر آمرزش خواهی مر ایشانرا یا آمرزش نخواهی مر ایشانرا هرگز نیامرزد
لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ نوح عم
خدا مر ایشانرا بدرستی که خدا راه نمینماید آن گروه بیرون روندگان از طاعت
فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا
پس گفتم آمرزش خواهید پروردگار خود را بدرستی که او هست بسیار آمرزنده
المزمل وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ
و آنچه پیش میفرستید از برای نفسهای خود از نیکوی بیابید او را نزد
اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
خدا که آن نیکوتر و بزرگتر مزد است و آمرزش خواهید خدا را بدرستی که خدا
غَفُورٌ رَحِيمٌ النصر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمرزنده مهربانست
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ
در آن هنگام که آمد نصرت و یاری خدا و فتح و ظفر او و دیدی مردمانرا که

2 دین الله

فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ
در دین خدا گروه گروه پس تسبیح گوی بستایش پروردگار خود و آمرزش خواه او را
كَانَ تَوَّابًا يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ
بدرستی که او هست بسیار توبه قبول کننده ای روزی دهنده درویشان و ای رحم کننده مسکینان

التسبيحات ليوم الاحد

البقرة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ

الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ
و ما که فرشتگانیم تسبیح میگوییم بستایش تو و تقدیس میکنیم مر ترا گفت
إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا
خدا بدرستی که من میدانم آنچه شما نمیدانید گفتند ملائکه ای خداوند نیست دانش مر ما را
إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَقَالُوا
مگر آنچه بیاموزی تو ما را بدرستی که تو توی دانا محکم کار و گفتند

اتخذ الله ولدا سبحانه بل له ما في السموات و

که فرا گرفت خداوند فرزند پاکست و منزه از او بلکه مر او راست آنچه در آسمانها

الارض كل له قانتون **آل عمران** واذكر ربك

و زمین است همه مر او را عبادت کنندگانند و یاد کن پروردگار خود را

كثيرا وسبح بالعشي والابكار الذين يذكرون

بسیار و تسبیح گوی در شام و صبح آنانکه یاد میکنند

الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون

خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهای خود خوابیده و اندیشه میکنند

في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا

در آفرینش آسمانها و زمین میگویند پروردگارا نیافریدی این را

باطلا سبحانك فقنا عذاب النار **النساء** يا اهل الكتاب

باطل منزهی پاک خداوند پس نگاهدار ما را از عذاب آتش ای صاحبان کتاب

لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما

غلو مکنید در دین خود و مگوئید بر خدای مگر حق و راست مسیح

المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته القاها

عیسی پسر مریم است فرستاده خدا معجزه او که القا کرد آنرا

الى مريم وروح منه فامنوا بالله ورسله ولا تقولوا

بسوی مریم و روحیست از او بگروید بخدا و پیغمبران او و مگوئید که خدا

ثلثة انتهوا خيرا لكم انما الله اله واحد سبحانه

سه است باز ایستید و بگوئید آنکه مر شما را بهتر است نیست خدا مگر معبود یگانه پاک

ان يكون له ولد له ما في السموات وما في الارض

از آنکه باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

وكفى بالله وكيلا **المائدة** واذ قال الله يا عيسى بن

و بس است خدا وکیل و کارگذار و یاد کن چون گفت خدای عیسی پسر

مريم ءانت قلت للناس اتخذوني وامي الهين

مریم آیا تو گفتی مردمان را که فرا گیرید مرا و مادر مرا دو معبود

من دون الله قال سبحانك ما يكون لي ان اقول

از غیر معبود بحق گفت عیسی پاکی مر ترا نیست مرا که بگویم

ما ليس لي بحق ان كنت قلته فقد علمته تعلم

آنچه نیست مرا سزاوار اگر بوده ام که گفتم آنرا بتحقیق که دانسته تو آنرا میدانی تو

ما في نفسي ولا اعلم ما في نفسك انك انت علام

آنچه در نفس منست و نمیدانم من آنچه در نفس تست بدرستی که تو توئی بسیار داننده

الغيوب **الانعام** وجعلوا لله شركاء الجن وخلقهم

غیبها و گردانیدند از برای خدا انبازان جن را که آفرید

وخرقوا له بنين وبنات بغير علم سبحانه وتعالى

ایشانرا و افترا بستند از برای او پسران و دختران بی دانستن پاکست و منزه

عَمّا يَصِفُونَ الاعراف وَلَمّا جاءَ موسى لِميقاتِنا وَكَلَّمَهُ

از انچه وصف میکنند وچون آمد موسی مر وعده گاه ما و سخن گفت

رَبُّهُ قالَ رَبِّ اَرِنی اَنْظُرْ اِلَیْكَ قالَ لَنْ تَرانی وَلٰكِنِ

او را پروردگار او گفت موسی پروردگارا بنمای خود را تا بنظر کنم بتو گفت

اُنْظُرْ اِلَی الْجَبَلِ فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكانَهُ فَسَوْفَ تَرانی

نه بینی مرا ولیکن نظر کن بان کوه پس اگر قرار گیرد در جای خود پس زود

فَلَمّا تَجَلّی رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ موسی صَعِقًا

پس چون افگند نور خود را پروردگار او بر آن کوه گردانید آنرا ذره ذره و افتاد موسی

فَلَمّا اَفاقَ قالَ سُبْحانَكَ تُبْتُ اِلَیْكَ وَاَنَا اَوَّلُ

پس چون بهوش آمد گفت پاکی یاد میکنم ترا باز گشتم بسوی تو و من اول گروندگانم

الْمُؤْمِنینَ اِنَّ الَّذینَ عِنْدَ رَبِّكَ لا یَسْتَكْبِرُونَ

بدرستی که آنانکه نزد پروردگار تو اند باز نه ایستند و سرکشی نمیکنند

عَنْ عِبادَتِهِ وَیُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ یَسْجُدُونَ التوبة

از پرستش کردن او و تسبیح میگویند او را و مر او را سجده میکنند

وَما اُمِرُوا اِلّا لِیَعْبُدُوا اِلٰهًا واحِدًا لا اِلٰهَ اِلّا

و مامور نشدند مگر از برای آنکه پرستش کنند معبود یگانه را نیست معبودی مگر

هُوَ سُبْحانَهُ عَمّا یُشْرِكُونَ یونس دَعْواهُمْ فیها

او پاکست و منزه است او از آنچه شریک می آرند خواندن ایشان در آن

سُبْحانَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فیها سَلامٌ وَآخِرُ دَعْواهُمْ

که پاکی یاد میکنم ترا بار خدایا و درود ایشان در آن سلام است و آخر خواندن ایشان

اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ یونس وَیَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

آنکه سپاس مر خدای را که پرورنده عالمیانست و می پرستند کافران از غیر معبود

اللّٰهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَلا یَنْفَعُهُمْ وَیَقُولُونَ هٰؤُلاءِ شُفَعاؤُنا

معبود بحق آنچیز را که نه ضرر میرساند ایشان را و نه نفع میدهد ایشان را و میگویند شفیعان ما اند

عِنْدَ اللّٰهِ قُلْ اَتُنَبِّئُونَ اللّٰهَ بِما لا یَعْلَمُ فِی السَّمٰواتِ

نزد خدا بگو ای محمد آیا خبردار میکردانید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها

وَلا فِی الْاَرْضِ سُبْحانَهُ وَتَعالی عَمّا یُشْرِكُونَ

و نه در زمین پاکست و منزه است او و بلند است شان او از آنچه شریک او میسازند

قالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحانَهُ هُوَ الْغَنِیُّ لَهُ ما

گفتند مشرکان فرا گرفت خدا فرزند را پاکست او و بی نیاز است مر او راست

فِی السَّمٰواتِ وَما فِی الْاَرْضِ اِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطانٍ

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است نیست نزد شما هیچ حجت و برهانی

بِهٰذا اَتَقُولُونَ عَلَی اللّٰهِ ما لا تَعْلَمُونَ یوسف قُلْ

باین آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو

هٰذِهِ سَبیلی اَدْعُوا اِلَی اللّٰهِ عَلی بَصیرَةٍ اَنَا وَمَنِ

ای محمد اینست راه من میخوانم بسوی خدا بر بینائی من و آنکس که پیروی

اتَّبَعَنی وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِكینَ

المشركين الرعد هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا
او از کسانی است که مینماید شما را برق برای ترس و امید
وينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة
و بر می انگیزد ابرهای گرانبار را و تسبیح میکوید رعد بستایش او و فرشتگان
من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم
از ترس او و میفرستد صاعقها را پس میرساند بآن کسی را که میخواهد
يجادلون في الله وهو شديد المحال الحجر ولقد نعلم
و ایشان خصومت و جدال میکنند در خدا و او سخت عقوبت است و هر آینه بتحقیق
انك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك وكن
میدانیم که تنگ میشود سینه تو بانچه میکویند پس تسبیح کوی ستودن
من الساجدين واعبد ربك حتى يأتيك اليقين
و باش از سجده کنندگان و پرستش کن پروردگار خود را تا آنکه بیاید آن

سورة النحل

بسم الله الرحمن الرحيم

اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون
آمد فرمان خدا پس شتاب مکنید او را پاک و منزه او و بلند است شان او

ويجعلون لله البنات سبحانه ولهم ما يشتهون ١٧ اسراء
و میکردانند برای خدا دختران پاک و منزه او و برای ایشان است آنچه آرزو میکنند

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى
پاک است و منزه آن خدایی که برد بنده خود محمد را شب از مسجد الحرام که مکه است
المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لنريه من آياتنا
تا مسجد اقصی که بیت المقدس است آن مسجدی که برکت دادیم ما در اطراف او تا بنماییم او را از
انه هو السميع البصير قل لو كان معه آلهة كما
بدرستی که شان اینست که او شنونده بیننده است بگو اگر میبود با او خدایان چنانچه میگویند
يقولون اذا لابتغوا الى ذي العرش سبيلا سبحانه
این هنگام هر آینه طلبیدند بسوی خداوند عرش راهی پاک است و منزه او
وتعالى عما يقولون علوا كبيرا تسبح له السموات
و بلند است شان او از آنچه میکویند بلندی بزرگ تسبیح میکویند مر او را آسمانهای
السبع والارض ومن فيهن وان من شيء الا يسبح
هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست و نیست هیچ چیزی مگر آنکه تسبیح
بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم انه كان حليما
میکند بستودن او و لکن نمیدانید شما تسبیح ایشان را بدرستی که او هست بردبار آمرزنده

غفورا قل سبحان ربي هل كنت الا بشرا رسولا

بگو پاکی و منزه است پروردگار مرا آیا هستم من غیر آدمی فرستاده شده

وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا

و براستی فرو فرستاده ایم قرآن را و براستی فرود آمده و نفرستاده ایم ترا مگر

مبشرا ونذيرا وقرآنا فرقناه لتقرأه على الناس

مژده دهنده و بیم کننده و قرآن را جدا جدا فرستاده ایم از برای آنکه بخوانی آن را

على مكث ونزلناه تنزيلا قل آمنوا به او لا

بر مردمان بآهستگی و فرود فرستاده ایم آن را فرستادنی بگو ایمان آورید بآن یا ایمان

تؤمنوا ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا يتلى

بدرستی که آنانکه داده شده اند دانائی از پیش او هر گاه خوانده میشود

عليهم يخرون للاذقان سجدا ويقولون سبحان

بر ایشان می افتند بر روی ها سجده کنندگان و میگویند پاکست و منزه

ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ويخرون

پروردگار ما بدرستی که بود وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده و می افتند

للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا فخرج

بر ذقنها گریه میکنند و زیاده میکند ایشان را خشوع و فروتنی پس بیرون آمد

على قومه من المحراب فاوحى اليهم ان سبحوا

بر قوم خود از مکان طاعت پس وحی کرد بایشان که تسبیح گوئید

بكرة وعشيا ما كان لله ان يتخذ من ولد سبحانه

صباح و شام نبود سزاوار مر خدا را آنکه فرا گیرد فرزندی را پاکست و منزه

اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون طه

او هر گاه حکم کند کاری را پس اینست و جز این نیست که میگوید فرا آن را باش پس میشود

فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع

پس صبر کن بر آنچه میگویند کافران و تسبیح گوی بستایش پروردگار خود پیش از

الشمس وقبل غروبها ومن آناء الليل فسبح

آفتاب و پیش از فرو شدن آن و بعضی از ساعات شب پس تسبیح گوی

واطراف النهار لعلك ترضى الانبياء وله من في

و طرفهای روز که امید است که خوشنود شوی و مر او راست هر که در

السموات والارض ومن عنده لا يستكبرون

آسمانهاست و در زمین و آنانکه نزد اویند بزرگی و گردن کشی نمیکنند

عن عبادته ولا يستحسرون يسبحون الليل و

از پرستش او و نه فرو میمانند تسبیح میگویند در شب

النهار لا يفترون ام اتخذوا آلهة من الارض

و روز سست نمیشوند یا فرا گرفتند خدایان را از زمین که ایشان

هم ينشرون لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا

پراکنده میکنند اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی غیر از الله هر آینه

فسبحان الله رب العرش عما يصفون وهو الذى
پادشاه آسمان و زمین خدا که پروردگار عرش است ازانچه وصف میکنند
خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل فى فلك
که آفرید شب را و روز را و آفتاب را و ماه را هر یک در فلکی
يسبحون وقالوا اتخذ الرحمن ولدا سبحانه بل عباد
سیر میکنند وگفتند فرا گرفت خدای بخشاینده فرزندی را پاکست و منزه
مكرمون ففهمناها سليمان وكلا آتينا حكما
بزرگ و گرامی کرده شده پس فهمانیدیم آنرا بسلیمان و هر یک را دادیم حکمت
وعلما وسخرنا الجبال يسبحن والطير وكنا فاعلين
و دانائی و مطیع و منقاد گردانیدیم با داود کوهها را که تسبیح میگفتند و مرغان را و بودیم

مع داود

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر
و یونس علیه السلم چون رفت خشمناک پس پنداشت که تنگ نمیکنیم روزی را
عليه فنادى فى الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
بر وی پس ندا کرد در تاریکیها که نیست هیچ معبودی مگر تو پاکی و منزه
انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من
تو بدرستی که من بودم از ستمکاران پس اجابت کردیم مر او را و نجات دادیم او را
الغم وكذلك ننجى المؤمنين المؤمنون ما اتخذ الله
از آن غم و همچنین نجات میدهیم مومنانرا و فرا نگرفت خدا

من ولد وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله
هیچ فرزندی و نبود و نیست با او هیچ معبودی این هنگام هر آینه رفتی هر معبودی
بما خلق ولعلا بعضهم على بعض سبحان الله عما
بسبب آنچه آفرید و هر آینه غلبه کردی بعضی از ایشان بر بعضی پاکست و منزه خدا از آنچه
يصفون عالم الغيب والشهادة فتعالى عما يشركون
وصف میکنند داننده غیب و آشکار است پس بلند است شان او از آنچه شریک می آورند
النور ولولا اذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا ان نتكلم
و چرا چون شنیدید آنرا نگفتید نیست و نباشد سزاوار مر ما را که سخن گوییم
بهذا سبحانك هذا بهتان عظيم فى بيوت اذن
باین امر پاک و منزهی تو این بهتان و دروغ بزرگست در خانهای که دستوری داد
الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له بالغدو
خدا که بلند کرده شود و یاد کرده شود در اینها نام او تسبیح میگویند مر او را بامداد
والآصال الم تر ان الله يسبح له من فى السموات
و شبانگاه آیا ندیدی که خدای تسبیح میگوید مر او را هر که در آسمانهاست
والارض والطير صافات كل قد علم صلاته و
و زمین است و مرغ در حالتی که صف زننده اند هر یک تحقیق دانستند نماز خود را
تسبيحه ان الله عليم بما يفعلون الفرقان قالوا سبحانك
و تسبیح خود را بدرستی که خدا داناست بآنچه میکنند گفتند پاک و منزهی تو

ما كان ينبغي لنا ان نتخذ من دونك من اولياء

نبود و نمیبت سزاوار مر مارا الکه فرا گیریم از غیر تو دوستان و لیکن

ولكن متعتهم واباءهم حتى نسوا الذكر و

برخوردار کردی ایشان را و پدران ایشان را تا فراموش کردند یاد کردن

وكانوا قوما بورا وسبح بحمده وكفى به بذنوب

و بودند گروهی هلاک شده و تسبیح گوی به ستایش او و بس است او بگناهان

عباده خبيرا النمل فلما جاءها نودي ان بورك

بندگان خود خبردار پس چون آمد آنرا ندا کرده شد الکه مبارکست

من في النار ومن حولها وسبحان الله رب

آنکس که در نور آن آتش است و آنکس که در گرد آنست پاکست و منزه خدا که پروردگار

العالمين القصص وربك يخلق ما يشاء ويختار

عالمیانست و پروردگار تو می آفریند آنچه میخواهد و بر میگزیند

ما كان لهم الخيرة سبحان الله وتعالى عما

نیست و نمیشاید مر ایشانرا برگزیدن پاکست و منزه خدا و بلندست از آنچه

يشركون ولا تدع مع الله الها اخر لا اله الا

شرک می آورند و مخوان با خدا معبودی دیگر را نیست معبودی مگر

هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه

او همه چیزی هلاک شونده است مگر ذات او که واجب الوجود است مر او راست

[illegible]

[illegible]

ترجعون الروم فسبحان الله حين تمسون وحين

و بسوی باز گشته میشوید پس پاکی بکنید خدا را وقتی که داخل میشوید بشام و وقتی

تصبحون وله الحمد في السموات والارض وعشيا

که داخل میشوید بصباح و مر او راست ستایش در آسمانها و زمین و وقت عصر

وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت

و وقتی که داخل میشوید به پیشین بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را

من الحي ويحي الارض بعد موتها وكذلك

از زنده و زنده میگرداند زمین را بعد از مردن و خشک شدن آن و همچنین

تخرجون ومن اياته ان خلقكم من تراب ثم اذا

بیرون آورده شوید

انتم تنتشرون الله الذي خلقكم ثم رزقكم

خدا آنکسیست که آفرید شما را پس روزی داد شما را

ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم من يفعل

پس میمیراند شما را پس زنده میگرداند شما را آیا از شریکان شما کیست که بکند

من ذلكم من شيء سبحانه وتعالى عما يشركون

از این کارها چیزی پاکست و منزه او و بلندست از آنچه شرک می آورند

السجده انما يؤمن باياتنا الذين اذا ذكروا بها خروا

ایمان می آورند بآیات ما مگر آنانکه هرگاه یاد کرده شوند بآن بآیات

سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم لا يستكبرون
بیفتند سجده کنندگان وتسبیح گویند بستایش پروردگار ایشان وایشان بزرگی نکنند
الاحزاب يا ايها الذين امنوا اذكروا الله ذكرا
ای آنکسان که ایمان آورده اید یاد کنید خدا را یاد کردنی
كثيرا وسبحوه بكرة واصيلا سبا قالوا سبحانك
بسیار وتسبیح گویید او را بامداد وشام — گفتند پاکی ومنزهی تو
انت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون الجن
تویی دوست ما از غیر ایشان بلکه بودند که عبادت میکردند جن را بیشتر ایشان
اكثرهم بهم مؤمنون يس سبحان الذى خلق
بایشان گروندگانند — پاکست ومنزه آن خدای که آفرید
الازواج كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم
جفتها را تمام آن از آنچه میرویانید زمین واز نفسهای ایشان
ومما لا يعلمون فسبحان الذى بيده ملكوت
واز آنچه نمیدانند — پس پاکست ومنزه آن خدای که بدست قدرت اوست ملک همه
كل شيء واليه ترجعون الصافات سبحان الله عما يصفون
هر چیزی وبسوی او باز گردانیده میشوید — پاکست ومنزه خدا از آنچه وصف میکنند
الا عباد الله المخلصين وانا لنحن الصافون وانا
مگر بندگان خدا که خالص کرده شده اند — وبدرستی که ما هر آینه تسبیح گویندگانیم وبدرستی

سجده

لنحن المسبحون سبحان ربك رب العزة عما يصفون
که صف زنندگانیم — پاکست ومنزه پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
وسلام خدا بر پیغمبران مرسل باد وسپاس مر خدای را که پرورنده عالمیانست
ص انا سخرنا الجبال معه يسبحن بالعشى و
بدرستی که ما مسخر گردانیدیم کوهها را که با او تسبیح میگویند بشام و
الاشراق الزمر سبحانه هو الله الواحد القهار
صباح — پاکست ومنزه او اوست خدای یگانه شکننده کامها
والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى
وآسمانها در نوردیدگان بقدرت او — پاکست ومنزه او ومتعال است شأن او
عما يشركون وترى الملائكة حافين من
از آنچه شریک می آورند — ومیبینی فرشتگان را سرعت کنندگان از
حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضى بينهم
گرد عرش تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود وحکم کرده شد میان ایشان
بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين
براستی وگفته شد سپاس وثنا مر خدای را که پرورنده عالمیانست
الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون
آن فرشتگان که بر میدارند عرش را وآنها که بر گرد آنند تسبیح میگویند

المؤمن

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

بستایش پروردگار خود و میگروند و آمرزش میخواهند مر آنانرا که گرویدند

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ

ای پروردگار ما گنجیده همه چیز را از حیثیت رحمت

رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ

و دانائی پس صبر کن بدرستی که وعده خدا راست است و آمرزش خواه

لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ

مر گناه خود را و تسبیح گوی بستایش پروردگار در شام و صباح

السجدة وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ

و اگر آلست کرد وسوسه کند ترا از شیطان وسوسه کردنی پس پناه جو

بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ

بخدا بدرستی که اوست شنوای دانا و بعضی از آیات و علامات او شب

وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا

و روز است و آفتاب و ماه سجده مکنید مر آفتاب را و نه

لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ

مر ماه را و سجده کنید مر خدا را آن خدای که آفرید اینها را اگر هستید شما

تَعْبُدُونَ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ

که خاص او را پرستش میکنید پس اگر تکبر و بزرگی کنند پس آنانکه نزد

یسبحون

يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ شوری

تسبیح میگویند مر او را بشب و روز و حال آنکه ایشان ملول نمیشوند

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

نزدیکست آسمانها که از هم بکافند و شکافته شوند از بالای آنها و فرشتگان

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ

تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود و آمرزش میخواهند از برای هر که در زمین است

أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ الزخرف وَالَّذِي خَلَقَ

آگاه باش بدرستی که خدا اوست آمرزنده مهربان و آن خداوندی که آفرید

الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ

اصناف خلق را همه آن و گردانید برای شما از کشتیها و چهارپایان

مَا تَرْكَبُونَ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا

آنچه سوار میشوید بر آن از برای آنکه راست نشینید بر پشتهای آن پس یاد کنید

نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ

نعمت پروردگار خود را هرگاه راست نشینید بر آن و بگوئید پاکست و منزه

الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ سُبْحَانَ

آن خداوندی که مسخر کرد برای ما این را و نبودیم ما مر او را طاقت دارندگان پاکست و منزه

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش عظیم از آنچه وصف میکنند

الفتح إنا أرسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا لتؤمنوا

به درستی که ما فرستادیم ترا گواه و بشارت دهنده و مژده دهنده و [illegible]

بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه وتسبحوه

بگروید بخدا و فرستاده او و تقویت کنید او را و حرمت دارید او را و منزه دارید [illegible]

بكرة وأصيلا ق فاصبر على ما يقولون و

اول صباح و شام پس صبر کن بر آنچه میگویند و

سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب

تسبیح گوی ستایش پروردگار خود پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن

ومن الليل فسبحه وأدبار السجود الطور أم لهم

و بعضی از شب پس تسبیح گوی او را و عقبهای سجده کردن [illegible] آیا مر ایشان راست

إله غير الله سبحان الله عما يشركون واصبر

معبودی بجز خدا پاکست و منزه خدا از آنچه شریک او دانند و صبر کن مر

لحكم ربك فإنك بأعيننا وسبح بحمد ربك حين

حکم پروردگار خود را پس درستی که تو در حفظ مایی و تسبیح گوی ستایش پروردگار خود را وقتی

تقوم ومن الليل فسبحه وإدبار النجوم الواقعة

که برخیزی [illegible]

نحن جعلناها تذكرة ومتاعا للمقوين فسبح باسم

ما گردانیدیم آن را [illegible]

پس تسبیح گوی بنام پروردگار

ربك العظيم إن هذا لهو حق اليقين فسبح باسم

که بزرگست که این [illegible] پس تسبیح گوی بنام پروردگار خود

ربك العظيم الحديد بسم الله الرحمن الرحيم

که بزرگست

سبح لله ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم

تسبیح گفت مر خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و او غالب [illegible]

الحشر بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السموات وما في الأرض وهو العزيز

تسبیح گفت مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او غالب [illegible]

الحكيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

[illegible] اوست خدای که نیست معبودی بجز او آن پادشاه [illegible]

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان

[illegible]

الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور

خدا از آنچه شریک او آورند اوست خدای آفریننده پدید آرنده صورت دهنده

له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض

مر اوراست نامهای نیکو تسبیح میگوید مر او را آنچه در آسمانها و زمین است

وهو العزيز الحكيم الصف بسم الله الرحمن الرحيم

ارجمند غالب بحکم کار است

سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز

تسبیح کفت مر خدا را انچه در اسمانهاست و انچه در زمین است و اوست غالب ارجمند

الحكيم الجمعة بسم الله الرحمن الرحيم

بحکم کار

يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك

تسبیح میکوید مر خدا را انچه در اسمانها و انچه در زمین است پادشاه

القدوس العزيز الحكيم التغابن بسم الله الرحمن الرحيم

پاک و منزه ارجمند غالب بحکم کار است

يسبح لله ما في السموات وما في الارض له الملك

تسبیح میکوید مر خدا را انچه در اسمانهاست و انچه در زمین است خاص مر اوراست

وله الحمد وهو على كل شيء قدير القلم قال اوسطهم

خاص مر اوراست ستایش و او بر همه چیز تواناست کفت بهتر در میانه

الم اقل لكم لولا تسبحون قالوا سبحان ربنا انا كنا

ایشان ایا نکفتم مر شمارا چرا تسبیح نمیکوید کفتند پاکی و منزه پروردکار ما بدرستیکه ما

ظالمين الحاقة فسبح باسم ربك العظيم والمرسلات

ستمکاران پس تسبیح کوی بنام پروردکار خود که بزرگست

واذکر

واذكر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد

و یاد کن نام پروردکار خود را صبح و شام و بعضی از شب پس سجده کن

له وسبحه ليلا طويلا النازعات بسم الله الرحمن الرحيم

مر او را و تسبیح کوی او را شب دراز

والنازعات غرقا والناشطات نشطا والسابحات

قسم بفرشتکان که جانهای کافران را غرق کنند و قسم بفرشتکان که بکشند ارواح مومنان باشند

سبحا الاعلى بسم الله الرحمن الرحيم

در وقت شنا کردن

سبح اسم ربك الاعلى النصر بسم الله الرحمن الرحيم

پاکی کن نام پروردکار خود را که بلند مرتبه است

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس يدخلون

هر کاه بیاید نصرت و یاری خدا و فتح مکه و ببینی مردمان را که در می آیند

في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره

در دین خدا کروه کروه پس تسبیح کوی با ستایش پروردکار خود و آمرزش خواه

انه كان توابا يارازق المقلين يا ارحم

بدرستیکه او هست بسیار رجوع کننده توبه قبول کننده

الراحمين الموکلات الماکين ليوم الاثنين

مسکینان

آل عمران

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا

چون قصد کردند دو گروه از شما تا بگذارند دست کنند و حال آنکه خدا یار ایشانست

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان پس بسبب رحمتی از جانب خدا

لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ

نرم گردی از برای ایشان و اگر میبودی درشت خوی سخت دل هر آینه متفرق میشدند از

حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ

دور تو پس درگذران از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان

فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

در کار پس هرگاه عزم کنی پس توکل کن بر خدا بدرستی که خدا دوست میدارد

الْمُتَوَكِّلِينَ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ

توکل کنندگان را اگر یاری کند شما را خدا پس نیست هیچ غلبه کننده مر شما را

إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ

و اگر فرو گذارد شما را پس کیست آنکه یاری کند شما را بعد از او

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ

و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان آنانکه گفتند مر ایشان را

النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ

مردمان که بدرستی که مردمان بتحقیق اتفاق کردند از برای شما پس بترسید از ایشان پس

فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

ایمان و گفتند کافیست ما را خدا و نیکو کارگذاریست

النساء وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ

و میگویند فرمانبرداریست پس چون بیرون روند از نزد تو

بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ

شب خواب کردند گروهی از ایشان غیر آنچه میگوئی تو و خدا مینویسد

مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

آنچه شب خواب کردند پس روی بگردان از ایشان و توکل کن بر خدا

وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا المائدة يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و کافیست خدا کارگذار تو ای آنکسانی که ایمان آورده اید

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا

یاد کنید نعمت خدا را بر شما آن هنگام که قصد کردند گروهی که بگشایند

إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ

بسوی شما دستهای خود را از شما و بپرهیزید خدا را و بر خدا که توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ

مومنان گفتند دو مرد از آنانکه میترسیدند که انعام کرد خدا

عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ

بر ایشان در آیید بر ایشان از آن در پس چون در آمدید او را پس بدرستی که شما

غالبون وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين الاعراف
غلبه کنندگانید و بر خدا پس توکل کنید اگر هستید گروندگان
قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم بعد
بتحقیق که بر هم بافتیم بر خدا دروغ را اگر باز گردیدیم در ملت شما پس از آنکه
اذ نجانا الله منها وما يكون لنا ان نعود فيها الا ان
رهانید ما را خدا از آن و نمی‌شاید مر ما را آن که باز گردیم در آن مگر آنکه
يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله
خواهد خدای پروردگار ما همه چیز را از روی دانایی بر خدا
توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت
توکل کردیم پروردگارا حکم کن میان ما و میان گروه ما براستی و تو بهترین
خير الفاتحين الانفال انما المؤمنون الذين اذا ذكر
حکم کنندگانی نیستند مومنان مگر آنانکه هرگاه یاد کرده شود
الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم
خدا بترسد دلهای ایشان و هرگاه خوانده شود بر ایشان آیات خدا
ايمانا وعلى ربهم يتوكلون اذ يقول المنافقون
ایمان و بر پروردگار ایشان توکل میکنند یاد کن چون میگویند منافقان
والذين في قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم ومن
و آنانکه در دلهای ایشان مرض نفاق فریفته است این گروه را دین ایشان

يتوكل على الله فان الله عزيز حكيم وان جنحوا
و هر که توکل کند بر خدا پس بدرستی که خدا غالب محکم کار است و اگر میل کنند
للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع
برای صلح پس میل کن برای آن و توکل کن بر خدا بدرستی که او اوست شنوا
العليم التوبة قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو
و دانا بگو هرگز نمی‌رسد ما را مگر آنچه نوشته است خدا برای ما اوست
مولينا وعلى الله فليتوكل المؤمنون فان تولوا
مولای ما و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان پس اگر روی
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
گردانند پس بگو کافیست مرا خدا نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و او
رب العرش العظيم يونس واتل عليهم نبا نوح اذ
پروردگار عرش بزرگ است و بخوان بر ایشان خبر نوح انگاه
قال لقومه يا قوم ان كان كبر عليكم مقامي وتذ
که گفت مر قوم خود را ای قوم من اگر است که بزرگ است بر شما ایستادن من و پند
باياتِ الله فعلى الله توكلت فاجمعوا امركم
بآیات خدا پس بر خدا توکل کردم پس جمع آورید امر خود را
وشركاءكم ثم لا يكن امركم عليكم غمة ثم
و شریکان خود را پس باید که نباشد کار شما بر شما پوشیده و اندوه پس

ثم اقضوا الي ولا تنظرون وقال موسى يا قوم ان
حکم کنید بسوی من و مهلت ندهید مرا و گفت موسی ای قوم من اگر
كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين
هستید که ایمان دارید بخدا پس براو توکل کنید اگر هستید مسلمانان
فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم
پس گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا مگردان ما را آزمایش از برای گروه
الظالمين ونجنا برحمتك من القوم الكافرين
ستمکاران و برهان ما را برحمت خود از گروه کافران
ومن ضل فانما يضل عليها وما انا عليكم بوكيل
و هر که گمراه شود پس گمراه میشود بر زیان آن و نیستم من بر شما کارگذار
هود اني توكلت على الله ربي وربكم ما من
بدرستی که من توکل کردم بر خدا که پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ
دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط
جنبنده مگر که او فراگیرنده است پیشانی او را بدرستی که پروردگار من بر راه
مستقيم وما توفيقي الا بالله عليه توكلت واليه
راست و نیست توفیق دادن من مگر بخدا بر او توکل کردم و بسوی او
انيب ولله غيب السموات والارض واليه يرجع
باز گشت میکنم و مر خدا راست غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردیده میشود

الامر كله فاعبده وتوكل عليه وما ربك بغافل
امر همه آن پس پرستش کن او را و توکل کن بر او و نیست پروردگار تو غافل
عما تعملون يوسف فلما آتوه موثقهم قال الله على ما
از آنچه میکنید پس چون دادند او را عهد و پیمان خود گفت خدای بر آنچه
نقول وكيل وقال يا بني لا تدخلوا من باب
میگوییم وکیل است و گفت یعقوب ای فرزندان من در میایید بمصر از یک
واحد وادخلوا من ابواب متفرقة وما اغني عنكم
دروازه و در آیید از دروازهای جدا جدا و دفع نمیکنم از شما
من الله من شيء ان الحكم الا لله عليه توكلت و
از قضای خدا هیچ چیز را نیست حکم و فرمان مگر مر خدا را بر او توکل کردم و
عليه فليتوكل المتوكلون الرعد قل هو ربي
بر او پس باید که توکل کنند توکل کنندگان بگو ای محمد او است پروردگار من
لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ولو ان
نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و بسوی او است بازگشت من و اگر آنکه
قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به الارض
قرآن سیر کرده شود به او کوهها یا پاره کرده شود به او زمین
او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا ابراهيم قالت
یا سخن گفته شوند با او مردگان بلکه مر خدا راست فرمان تمام گفتند

لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ
مر ایشان را پیغمبران ایشان که نیستیم ما مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا انعام میکند

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ
از هر که میخواهد از بندگان خود و نیست و نشاید مر ما را اگر بیاریم شما را حجتی و برهانی

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ **النحل**
مگر بفرمان خدا و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
نیست گفتن ما مر چیزی را هرگاه اراده کردیم او را اگر آنکه گوییم مر او را باش پس باشد

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ
و آنانکه هجرت کردند در راه خدا از پس آنکه ستم کرده شدند هر آیینه جای دهیم ایشان را

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
ایشان را در دنیا نیکویی و هر آیینه مزد آخرت بزرگتر است اگر باشند که میدانند

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ
آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خود توکل میکنند بدرستی که شان او نیست مر او را

سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
هیچ حجتی بر آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند

الفرقان وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ
و توکل کن بر آن زنده که نمیرد و تسبیح گوی

بحمن

خبيرا

بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ **الشعراء** وَتَوَكَّلْ
بستایش او و کافیست او بگناهان بندگان خود خبردار و توکل کن

عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقَلُّبَكَ
بر غالب مهربان آن خدایی که می بیند ترا وقتی که بر میخیزی و گردیدن ترا

فِي السَّاجِدِينَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
در سجده کنندگان بدرستی که اوست شنوای دانا بدرستی که پروردگار تو حکم میکند

بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
میان ایشان بحکم و فرمان خود و او غالب داناست پس توکل کن بر خدا

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ **العنكبوت** الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ
بدرستی که تو بر حق و راستی روشنی آنانکه صبر کردند و بر

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ **الاحزاب** وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ
پروردگار خود توکل میکنند و پیروی کن آنچیز را که وحی کرده میشود بتو از

رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا وَتَوَكَّلْ
پروردگار تو بدرستی که خداست آنچه عمل میکنند خبردار و توکل کن

عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا **الزمر** وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ
بر خدا و بست خدا وکیل و کارگذار و هر آیینه اگر بپرسی ایشان را

مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ
کیست که آفرید آسمانها و زمین را هر آیینه گویند الله بگو پس خبر کنید مرا
از خدا است

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا
و فرمان مبر کافران و منافقان را و بگذار آزار ایشان را و توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیل و کارگذار

ما تدعون من دون الله ان ارادني الله بضر هل
که آنچه میخوانید از غیر خدا اگر خواهد مرا خدا بضرری آیا ایشان
هن كاشفات ضره او ارادني برحمة هل هن
برطرف کنندگان ضرر او هستند یا اگر خواهد مرا رحمتی آیا ایشان هستند
ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون
نگاه دارندگان رحمت او بگوی کافیست مرا خدا بر او توکل میکنند
المتوكلون الشورى وما اختلفتم فيه فحكمه
توکل کنندگان   و آنچه اختلاف کردید در آن پس حکم آن
الى الله ذلكم الله ربي عليه توكلت واليه انيب
بجانب حضرت خدای پروردگار منست بر او توکل کردم و بسوی او باز میگردم
وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وما عند الله
و آنچه داده شدید از هر چیز پس برخورداری زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست
خير وابقى للذين امنوا وعلى ربهم يتوكلون
بهتر و باقیتر است از برای آنکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند
المجادلة انما النجوى من الذين امنوا وليس بضارهم
نیست راز گفتن مگر از ... آنانرا که ایمان آوردند و نیست ضرر رساننده ایشان
شيئا الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون
هیچ چیز مگر بفرمان خدا و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان

(حاشیه: من شيء — از هر چیز)
(حاشیه: الشيطان ليحزن — از شیطان تا اندوهگین کند)

الممتحنة لاستغفرن لك وما املك لك من الله
هر آینه آمرزش خواهم البته از برای تو و دفع نمیتوانم کرد از برای تو از خدا هیچ
من شيء ربنا عليك توكلنا واليك المصير التغابن
هیچ چیز پروردگارا بر تو توکل کردیم ما و بسوی تست بازگردیدن
الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون الطلاق
خدا اینست نیست معبودی مگر او و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
و هر که توکل کند بر خدا پس خدا کافیست او را بدرستی که خدا رساننده کار اوست
قد جعل الله لكل شيء قدرا الملك قل هو الرحمن
بتحقیق گردانیده خدا مر هر چیز را اندازه   بگوی اوست بخشاینده
امنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال
ایمان آوردیم باو و بر او توکل کردیم پس زود باشد که بدانید کیست او در گمراهی
مبين قل ارايتم ان اصبح ماؤكم غورا فمن يأتيكم
روشن بگوی خبر کنید مرا اگر گردد آب شما فرو رفته بزمین پس کیست که بیاورد
بماء معين يا رازق المقلين ويا راحم المساكين
شما را آبی روان ظاهر   ای روزی دهنده درویشان   ای رحم کننده مسکینان

التسليمات ليوم الثلثا

(حاشیه: انبنا واليك — و بسوی تو باز گشتیم)

البقرة اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمين

یاد کن آن هنگام که گفت مر او را پروردگار او که اسلام آور گفت اسلام آوردم مر پروردگار عالمها را

يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا

ای آنکسانی که ایمان آوردید در آیید در صلح جمیع و پیروی مکنید

خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين آل عمران

گامهای شیطان را بدرستی که او مر شمارا است دشمن روشن

فان حاجوك فقل اسلمت وجهي لله ومن اتبعن و

پس اگر نزاع کنند ترا پس بگوی مطیع و منقاد کردانیدم نفس خود را از برای خدا و هرکه پیروی میکند مرا

قل للذين اوتوا الكتاب والاميين ءاسلمتم فان

بگوی مر آنرا که داده شده‌اند کتاب و آنانکه خوانده کتاب نیستند آیا اسلام آوردید اگر

اسلموا فقد اهتدوا وان تولوا فانما عليك البلاغ

اسلام آوردند پس بتحقیق که راه یافتند و اگر روی بگردانند پس نیست بر تو مگر رسانیدن

والله بصير بالعباد افغير دين الله يبغون وله اسلم

و خدا بیناست بافعال بندگان آیا پس غیر دین خدا میخواهند و مر او را مطیع است

من في السموات والارض طوعا وكرها واليه

هرکه در آسمانها و زمین است خواهی نخواهی و بسوی او

ترجعون النساء فلا وربك لا يؤمنون حتى

بازگردیده میشوند پس قسم بپروردگار تو که ایمان نمی‌آورند تا آنکه

يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم

حاکم گردانند ترا در آنچه نزاع است میان ایشان پس نمی یابند در نفسهای خود هیچ

حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما الا الذين يصلون

شکی از آنچه حکم کردی تو و گردن مینهند گردن نهادنی مگر آنکسانی که می پیوندند

الى قوم بينكم وبينهم ميثاق او جاؤكم حصرت

بگروهی که میان شما و میان ایشان عهد و پیمانست یا بیایند شمارا در حالیکه فرومانده باشد

صدورهم ان يقاتلوكم او يقاتلوا قومهم ولو شاء

سینهای ایشان از آنکه کارزار کنند با شما یا کارزار کنند با گروه ایشان و اگر خواهد

الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم

خدا هر آینه مسلط کند ایشانرا بر شما پس هر آینه کارزار کنند با شما پس اگر جدایی کنند از شما

فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم

پس کارزار نکنند با شما و بیندازند بسوی شما صلح را پس نگردانید خدا مر شمارا

عليهم سبيلا ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم

بر ایشان راهی زود باشد که بیابید گروهی دیگر را که خواهند آنکه ایمن گردند از شما

ويامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا

و ایمن گردند از گروه خود هرچند بازگردانیده شدند بفتنه نگون کرده شدند در آن

فيها فان لم يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا

پس اگر جدایی نکنند شمارا و نیندازند بسوی شما صلح را و باز نه دارند

ايديهم فخذوهم واقتلوهم حيث ثقفتموهم واولئكم

دستهاي خود را پس بگيريدشان را و بکشيدشان را هر جا که يابيدشان را و اين گروه اند که

جعلنا لكم عليهم سلطانا مبينا وما كان لمؤمن ان

گردانيديم ما مر شما را برايشان سلطنت و حجتي ظاهر و نيست و نمي سزد مر مؤمني را که

يقتل مؤمنا الا خطأ ومن قتل مؤمنا خطأ

بکشد مؤمني را مگر نادانسته و هر که بکشد مؤمني را نادانسته

فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى اهله الا

پس بر وي است آزاد کردن بنده که مؤمن باشد و خونبهاي که تسليم کرده شود باهل آن کشته مگر که

ان يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم وهو

بخشند اهل آن … اگر باشد کشته از گروهي که دشمنند مر شما را و او

مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة وان كان من

مؤمن پس آزاد کردن بنده مؤمنست و اگر باشد از

قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى

گروهي که ميان شما و ميان ايشان عهد است پس خونبهاي که تسليم کرده شود

اهله وتحرير رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام

باهل او و آزاد کردن بنده مؤمنست پس هر که نيابد ديه و بنده را پس روزه داشتن

شهرين متتابعين توبة من الله وكان الله

دو ماه پي در پي است بجهت بازگشتن و توبه کردن از نزد خدا و هست خدا

عليما

عليما حكيما يا ايها الذين آمنوا اذا ضربتم في سبيل الله

دانا محکم کار اي آنکسانيکه ايمان آورديد هرگاه ميرويد در راه خدا

فتبينوا ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

پس ظاهر سازيد و مگوييد مر آنکسي را که اندازد بسوي شما سلامتي را که نيستي تو مؤمن

تبتغون عرض الحيوة الدنيا فعند الله مغانم كثيرة

ميخواهيد خواسته زندگاني دنيا را پس نزد خداست غنيمتهاي بسيار

كذلك كنتم من قبل فمن الله عليكم فتبينوا ان الله

همچنين بوديد از پيش پس انعام کرد خدا بر شما پس ظاهر سازيد بدرستي که خدا است

كان بما تعملون خبيرا ومن احسن دينا ممن اسلم

بآنچه عمل ميکنيد خبردار و کيست نيکوتر از روي دين از آنکس که منقاد کرد خود را

وجهه لله وهو محسن واتبع ملة ابراهيم حنيفا

از براي خدا و حال آنکه او نيکوکننده باشد و پيروي کند دين ابراهيم را در حالتي که مايل بحق بود

واتخذ الله ابراهيم خليلا المائدة يهدي به الله

و فرا گرفت خدا ابراهيم را خليل و دوست خود راه مينمايد بآن خدا آنکس را

من اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من

که پيروي کرد خشنودي او را راههاي سلامت و بيرون مي آورد ايشان را از

الظلمات الى النور باذنه ويهديهم الى صراط

تاريکيهاي کفر بروشنايي ايمان بفرمان خود و راه مينمايد ايشان را راهي راست

مستقیم انا انزلنا التوریة فیها هدی و نور یحکم
راست به درستی که ما فرو فرستادیم توراة را در آنجا راه نمودن و روشنی حکم میکنند
بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا و الربانیون
بان پیغمبران آنکه منقاد شدند مر آنان را که یهود شدند و علمای ربانی
و الاحبار بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا
و دانشمندان آنچه طلب نگاه داشت کرده شدند از کتاب خدا و بودند
علیه شهداء الانعام و اذا جاءک الذین یؤمنون
بر آن گواهان و هرگاه بیاید آنکسان که ایمان می آرند
بایاتنا فقل سلام علیکم کتب ربکم علی نفسه
بآیات ما پس بگو سلام بر شما باد نوشته است پروردگار شما بر ذات خود
الرحمة انه من عمل منکم سوء بجهالة ثم تاب
رحمت کردن را به درستی که شان چنین است که هر که عمل کند از شما بدی را بنادانی پس بازگشت کرد
من بعده و اصلح فانه غفور رحیم قل انی
از پس آن بدی و اصلاح کرد پس به درستی که خدا آمرزنده مهربان است بگو به درستی که من
امرت ان اکون اول من اسلم و لا تکونن من
فرموده شده ام که باشم نخستین کسی که اسلام آورد و پس مباش البته از
المشرکین و امرنا لنسلم لرب العالمین لهم
شرک آورندگان و فرموده شدیم ما از برای آنکه مر پروردگار خود را مر عالمها را گردن نهیم اسلام آوریم

ولهم

دار السلام عند ربهم و هو ولیهم بما کانوا
سرای سلامتی که بهشت نزد پروردگار ایشان و او دوست و متصرف در امورات ایشان است به آنچه بودند
یعملون الاعراف و نادوا اصحاب الجنة ان سلام
که عمل میکردند و ندا کنند یاران بهشت را آنکه سلام
علیکم لم یدخلوها و هم یطمعون الانفال
بر شما باد داخل نشدند بهشت را و حال آنکه ایشان طمع دارند
اذ یریکهم الله فی منامک قلیلا و لو اریکهم
یاد کن آن هنگام که مینماید بتو ایشان را خدا در خوابگاه تو اندکی و اگر مینمود بتو ایشان را
کثیرا لفشلتم و لتنازعتم فی الامر و لکن الله سلم
بسیار هر آینه بددلی میکردید و هر آینه با یکدیگر نزاع میکردید در کار خود و لکن خدای تسلیم کرد
انه علیم بذات الصدور یونس ان الذین امنوا و
به درستی که او دانا است به آنچه در سینه هاست به درستی که آنانکه ایمان آوردند
عملوا الصالحات یهدیهم ربهم بایمانهم تجری
و عملهای نیکو کردند راه مینماید ایشان را پروردگار ایشان به سبب ایمان ایشان روان است
من تحتهم الانهار فی جنات النعیم دعویهم
از زیر قدمهای ایشان جویها در بهشتهای پر نعمت خواندن ایشان
فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و اخر
در آن این است که پاکی تو ای بار خدایا و درود ایشان در آن سلامت و آخر

دَعْوٰیهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَاللّٰهُ یَدْعُوا
خوانند ایشان و آخر سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است و خدا میخواند
اِلٰی دَارِ السَّلَامِ وَیَهْدِی مَنْ یَشَاۤءُ اِلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ
بسرای سلامت که بهشت است و راه مینماید کسی را که میخواهد براه راست
هود قِیلَ یَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَکَاتٍ
گفته شد ای نوح فرود آی بسلامتی از ما و برکتها
عَلَیْکَ وَعَلٰی اُمَمٍ مِمَّنْ مَعَکَ وَاُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمَسُّهُمْ
بر تو و بر امتان از هر که با تو است و امتانی که باشند که زود برخوردار کنیم پس برسد ایشان را
مِنَّا عَذَابٌ اَلِیمٌ وَلَقَدْ جَاۤءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِیمَ بِ
از ما عذابی دردناک و بدرستیکه بتحقیق که آمدند فرستادگان ما ابراهیم را
بِالْبُشْرٰی قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاۤءَ
بمژده گفتند سلام میکنیم سلام کرد گفت ابراهیم پس درنگ نکرد تا آنکه آورد
بِعِجْلٍ حَنِیذٍ الرعد جَنَّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَهَا وَمَنْ
گوساله بریان کرده بهشتهای بودن در آیند ایشان در آن و کسی که
صَلَحَ مِنْ اٰبَاۤئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّیَّاتِهِمْ وَالْمَلٰۤئِکَةُ
نیکو بوده از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان و فرشتگان
یَدْخُلُونَ عَلَیْهِمْ مِنْ کُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ
داخل میشوند بر ایشان از هر دری میگویند سلام بر شما باد بسبب آنچه صبر کردید

فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ ابرهیم وَاُدْخِلَ الَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا
پس نیکوست عاقبت سرای شما و در آورده شوند آنانکه ایمان آوردند و عمل کردند
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ
نیکو کردند در بهشتها که روانست از زیر آن جویها دایم باشند
فِیهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلَامٌ الحجر اِنَّ
در آن بفرمان پروردگار خود درود و ثنای ایشان در آن سلام است بدرستی
الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِینَ
که پرهیزکاران باشند در بهشتها و چشمها گوینده در آیید در آن بسلامتی در حالتی که ایمن باشید
وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَیْفِ اِبْرٰهِیمَ اِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالُوا
و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم آنگاه که داخل شدند بر او پس گفتند
سَلَامًا قَالَ اِنَّا مِنْکُمْ وَجِلُونَ النحل الَّذِینَ تَتَوَفّٰیهُمُ
سلام گفت ابراهیم بدرستیکه ما از شما ترسانیم آنانکه میمیرانند ایشان را
الْمَلٰۤئِکَةُ ظَالِمِی اَنْفُسِهِمْ فَاَلْقَوُا السَّلَمَ مَا کُنَّا نَعْمَلُ
فرشتگان در حالتی که ستم کننده اند بر نفسهای خود پس اندازند صلح را نبودیم که کنیم هیچ
مِنْ سُوۤءٍ بَلٰی اِنَّ اللّٰهَ عَلِیمٌ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
بدی گویند بلی چنین است بدرستی که خدا داناست بآنچه بودید که میکردید
الَّذِینَ تَتَوَفّٰیهُمُ الْمَلٰۤئِکَةُ طَیِّبِینَ یَقُولُونَ سَلَامٌ
آنانکه میمیرانند ایشان را فرشتگان در حالتی که پاکان اند میگویند فرشتگان سلام بر شما

عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون ● والقوا
برشما باد درآیند در بهشت بسبب آنچه بودید که عمل میکردید ● و القا کنند
الى الله يومئذ السلم وضل عنهم ما كانوا يفترون
بسوی خدا در آن روز سلام را و گم شود از ایشان آنچه بودند که بر هم می بافتند
مريم وسلام عليه يوم ولد ويوم يموت ويوم
و سلام باد برو روزی که متولد شد و روزی که بمیرد و روزی
يبعث حيا ● والسلام علي يوم ولدت ويوم اموت
که برانگیخته شود زنده ● و سلام خدا بر منست روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم
ويوم ابعث حيا ● قال سلام عليك ساستغفر
و روزی که برانگیخته شوم زنده ● گفت سلام بر تو باد زود باشد که آمرزش خواهم ترا
لك ربي انه كان بي حفيا ● لا يسمعون فيها لغوا
از پروردگار خود بدرستیکه او هست بمن مهربان ● نمیشنوند در بهشت بیهوده
الا سلاما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا
مگر سلام ● و مر ایشانراست روزی ایشان در آن صباح و شام
طه قد جئناك باية من ربك والسلام على
بتحقیق که آوردیم ترا دلالتی از نزد پروردگار تو ● و سلام خدا بر آنکسی
من اتبع الهدى الانبياء قلنا يا نار كوني بردا و
که پیروی کرد راه راست را ● گفتیم ای آتش باش سرد و

سلاما

سلاما على ابرهيم ● وارادوا به كيدا فجعلناهم
و سلامت بر ابراهیم ● و خواستند باو کیدی را پس گردانیدیم ایشانرا
الاخسرين النور يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا
زیانکارترین ● ای کسانی که ایمان آوردید در میایید
بيوتا غير بيوتكم حتى تستانسوا وتسلموا على
خانهایی را که جز خانهای شماست تا آنکه طلب انس کنید و سلام کنید بر اهل آن
اهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون الفرقان
اهل آن این بهترست مر شما را شاید شما پند گیرید
وعباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا
و بندگان خدای بخشاینده آنانکه میروند بر روی زمین بنرمی
واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما ● اولئك
و هر گاه خطاب کنند ایشانرا نادانان گویند سلام باد بر شما ● این گروه
يجزون الغرفة ويلقون فيها تحية وسلاما
پاداش داده شوند غرفه بهشت و دریافته شوند در آن درود و سلام
الشعراء يوم لا ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله
روزی که نفع نکند مال و نه فرزندان مگر کسی که بیارد خدا را دلی درست
بقلب سليم النمل قل الحمد لله وسلام على عباده
و سلامت از غل و غش ● بگو سپاس و ثنا مر خدا را و سلام خدا بر بندگان او

الذين اصطفى الله خير اما يشركون القصص

آنانکه برگزیدشان را آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک او میگردانند

واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه وقالوا لنا

و هرگاه بشنوند بیهوده را روی گردانند از آن و بگویند ما راست

اعمالنا ولكم اعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين

عملهای ما و مر شما راست عملهای شما سلام باد بر شما نمیخواهیم ما نادانان را

الاحزاب ولما راى المؤمنون الاحزاب قالوا هذا

و چون دیدند مومنان آن لشکرها را گفتند این است

ما وعدنا الله ورسوله وما زادهم الا ايمانا و

آنچه وعده کرد ما را خدا و پیغمبر او و زیاده نکرد ایشان را مگر ایمان و

تسليما تحيتهم يوم يلقونه سلام واعد لهم

گردن نهادن درود ایشان روزی که برسند با او سلامت و مهیا کرده است از برای ایشان

اجرا كريما ان الله وملائكته يصلون على

مزدی بزرگ بدرستی که خدا و فرشتگان او صلوات میفرستند بر این

النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا

پیغمبر محمد ای کسانی که ایمان آورده اید صلوات فرستید بر او و سلام دهید

تسليما يس سلام قولا من رب رحيم وامتازوا

سلام دادنی نیکو سلام بر ایشان در حالی که گفته باشد از پروردگار مهربان و جدا شوید

اليوم

اليوم ايها المجرمون الصافات سلام على نوح في العالمين

امروز ای گناهکاران سلام باد بر نوح در میان عالمیان

سلام على ابراهيم فلما اسلما وتله للجبين سلام

سلام باد بر ابراهیم پس چون گردن نهادند و افکند او را بر روی زمین سلام باد

سلام على موسى وهارون سلام على ال ياسين

بر موسی و هارون سلام باد بر آل یاسین

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

و سلام باد بر جمیع پیغمبران مرسل و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است

الزمر وانيبوا الى ربكم واسلموا له من قبل ان

و بازگشت کنید بسوی پروردگار خود و مطیع و منقاد شوید مر او را پیش از آنکه

ياتيكم العذاب ثم لا تنصرون سلام عليكم

بیاید شما را عذاب و پس بعد از آن یاری کرده نشوید سلام باد بر شما که

طبتم فادخلوها خالدين المؤمن قل اني نهيت ان

خوش بودید پس در آیید در آن جاوید باشندگان بگوی بدرستی که من بازداشته شدم از آنکه

اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات

پرستش کنم آنان را که میخوانید شما از غیر خدا چون آمد مرا دلیلهای ظاهر

من ربي وامرت ان اسلم لرب العالمين وقيله

از نزد پروردگار خود و مامورم بآنکه اسلام آورم مر پروردگار عالمیان را و گفتن او بود

يا رب ان هؤلاء قوم لا يؤمنون فاصفح عنهم وقل
کای پروردگار من بدرستی کاین گروهی اند که ایمان نمی آورند پس درگذر از ایشان و بگوی

سلام فسوف يعلمون الفتح قل للمخلفين من
سلام پس زود باشد که بدانند بگو مر بازماندگان از

الاعراب ستدعون الى قوم اولي بأس شديد
عربان که زود باشد که خوانده شوید بحرب قومی خداوندان قوت سخت که

تقاتلونهم او يسلمون فان تطيعوا يؤتكم الله اجرا
کارزار کنید با ایشان یا که اسلام آورند پس اگر اطاعت کنید عطا کند شمارا خدا مزدی نیکو

حسنا وان تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا
نیکو و اگر روی گردانید چنانچه روی گردانیدید پیش از این عذاب کند شمارا عذابی

اليما الحجرات قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن
دردناک گفتند عربان ایمان آوردیم بگو ایمان نیاوردید و لیکن

قولوا اسلمنا ولما يدخل الايمان في قلوبكم وان
بگویید گردن نهادیم و هنوز در نیامده است ایمان در دلهای شما و اگر

تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من اعمالكم
فرمان برید خدا را و رسول او را کم نکند برای شما از عملهای شما

شيئا ان الله غفور رحيم يمنون عليك ان اسلموا
هیچ چیز بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست منت مینهند بر تو بانکه اسلام آوردند

قل لا تمنوا علي اسلامكم بل الله يمن عليكم
بگو منت منهید بر من باسلام خود بلکه خدا منت مینهد بر شما بانکه

ان هداكم للايمان ان كنتم صادقين ان الله يعلم
هدایت کرد شمارا بایمان اگر هستید راست گویندگان بدرستی که خدا میداند

غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون ق
پوشیده و پنهان آسمانها و زمین را و خدا بیناست بانچه میکنید شما

من خشي الرحمن بالغيب وجاء بقلب منيب ادخلوها
هرکه ترسید از خدای بخشنده و آورد دلی بازگردنده بگوییم در آیید در بهشت

بالغیب
پنهانی

بسلام ذلك يوم الخلود لهم ما يشاؤن
بسلامتی اینست روز جاوید بودن مرایشانراست آنچه خواهند

فيها ولدينا مزيد هل اتاك حديث ضيف ابرهيم
و آن نزد ماست زیاده کرد آیا آمد ترا سخن مهمانان ابراهیم

المكرمين اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال سلام
گرامی کرده شدگان چون درآمدند بر او پس گفتند سلام بر تو باد گفت سلام بر تو باد

قوم منكرون الواقعة لا يسمعون فيها لغوا
شما گروه ناشناختگانید نشنوند در بهشت بیهوده

ولا تأثيما الا قيلا سلاما سلاما واما ان كان من
و نه دشنامی مگر گفتنی که سلام بر شما سلام بر شما و اما اگر باشد از یاران از

أصحاب اليمين فسلام لك من أصحاب اليمين **الحشر**

یاران دست راست پس سلام باد مر ترا از یاران دست راست

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام

اوست خدای که نیست معبودی مگر او پادشاه منزه از نقص سالم از آفت

المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان

بخشنده ایمنی نگاهبان غالب اصلاح دهنده بزرگی کننده است پاک و منزه است خدا

الله عما يشركون **الجن** وأنا منا المسلمون ومنا

از آنچه شرک می آورند بدرستی که بعضی از ما مسلمانانند و بعضی

القاسطون فمن أسلم فأولئك تحروا رشدا

از ما ظالمانند پس هر که اسلام آورد پس آن گروه جستند راه راست را

القدر بسم الله الرحمن الرحيم

إنا أنزلناه في ليلة القدر وما أدراك ما ليلة

بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر و چه دانا کرد ترا محمد چیست شب

القدر ليلة القدر خير من ألف شهر تنزل

قدر شب قدر بهتر است از هزار ماه فرود می آیند

الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل

فرشتگان و روح الامین در آن شب بفرمان پروردگار ایشان از برای

امر

أمر سلام هي حتى مطلع الفجر بالبارق المفلحين يا

هر کار سلامتی است آن شب تا بر آمدن صبح صادق

راحم **التهليلات ليوم الاربعا** الساكين

البقرة وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن

و معبود شما معبودی است یگانه نیست معبودی مگر او بخشاینده مهربان

الرحيم الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه

خدای نیست معبودی مگر او زنده پاینده است فرا نگیرد

سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الأرض من

او را نه غنودن و نه خواب مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است کیست

ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما بين

آنکسی که درخواست کند نزد او مگر بفرمان او میداند آنچه در پیش

أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه

روی ایشانست و آنچه در پس ایشانست و احاطه نمیکنند بچیزی از دانش او

إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض

مگر او با آنچه خواست فراخی کرد کرسی او آسمانها و زمین را

ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم **آل عمران**

و دشوار نمی کند او را نگاهداشتن آنها و او بلند قدر بزرگ مرتبه است

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک
الله اعلم خدا است معبود نیست مگر او زنده پاینده است فرو فرستاد بر تو
الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التوریة
کتاب بر او فرقان را بحق و راستی باور دارنده مر آنچه را که پیش او است فرو فرستاد توراة
والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان
و انجیل را از پیش این راه نماینده از برای مردمان و فرو فرستاد فرقان را
ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید
بدرستی که آنانکه کافر شدند با آیات خدا مر ایشان راست عذابی سخت
والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی
و خدا غالب است صاحب انتقام بدرستی که خدا پوشیده نیست بر او چیزی نه در
الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام
زمین و نه در آسمان اوست آنکه او آنکه صورت میدهد شما را در
الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز
رحمهای مادران هرگونه که میخواهد نیست معبودی مگر او غالب
الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
محکم کار است گواهی داد خدا آنکه شان است که نیست معبودی مگر او و گواهی دادند فرشتگان
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
و خداوندان علم در حالتی که ایستاده است براستی نیست معبودی مگر او غالب محکم کار

ان الدین عند الله الاسلام النساء الله لا اله الا هو
بدرستی که دین نزد خدا اسلام است خدا نیست معبودی مگر او
لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق من
هر آینه جمع کند البته شما را تا روز قیامت که هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوی تر از
الله حدیثا المایدة لقد کفر الذین قالوا ان الله ثالث
خدا سخن را هر آینه بتحقیق که کافر شدند آنانکه گفتند بدرستی که خدا سوم خدایان
ثلثة وما من اله الا اله واحد وان لم ینتهوا عما
سه گانه است و نیست هیچ معبودی مگر معبودی یگانه و اگر باز نایستند از آنچه
یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم الانعام
میگویند هر آینه میرسد البته آنانرا که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک
وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان
و اگر برساند ترا خدا ضرری پس نیست دفع کننده مر آنرا مگر او و اگر
یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر وهو القاهر
برساند ترا نیکی پس او بر همه چیز تواناست و او غالب قاهر است
فوق عباده وهو الحکیم الخبیر قل ای شیء اکبر
بالای بندگان خود و او محکم کار خبردار است بگو ای محمد کدام چیز بزرگتر است
شهادة قل الله شهید بینی وبینکم واوحی الی هذا
از روی گواهی دادن بگو خدا گواه است میان من و میان شما و وحی کرده شد بمن این

الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ

قرآن از برای آنکه بترسانم شما را بآن و هر که رسید او را بترسانم شما را اینکه گواهی میدهید

أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ

آنکه با خداست خدایانی دیگر بگو من گواهی نمیدهم بگو جز این نیست او معبودی

وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ذَلِكُمُ اللَّهُ

یگانه و بدرستی که من بیزارم از آنچه شریک او میدهید اینست خدای

رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ

پروردگار شما نیست معبودی مگر او آفریننده همه چیز است پس بپرستید او را

هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ

او بر همه چیزی وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از

رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ الاعراف

پروردگار تو نیست معبودی مگر او و روی بگردان از شرک آورندگان

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا

بگو ای مردمان بدرستی که فرستاده خدایم بسوی شما تمام

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

آنخدائی که مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبودی مگر او

يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

زنده میگرداند و میمیراند پس ایمان آورید بخدا و فرستاده او آن پیغمبر ناخواننده

الذی

الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

آنچنان پیغمبری که ایمان می آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را شاید شما راه راست یابید

التوبة اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ

فرا گرفتند دانشمندان خود را و زاهدان خود را خدایان از غیر معبود

اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا

حق و مسیح را که پسر مریم است و مامور نبودند مگر از برای آنکه پرستش کنند معبود

وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ

یگانه را که نیست معبودی مگر او پاک است و منزه او از آنچه شریک او گردانند پس اگر روی

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

بگردانند پس بگو بس است مرا خدا که نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ يونس وَجَاوَزْنَا

و او پروردگار عرش بزرگ است و گذرانیدیم ما

بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ

بنی اسرائیل را از دریا پس پیروی کرد ایشان را فرعون و لشکرهای او

بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ

از روی ستم و ظلم تا وقتی که دریافت او را غرق شدن گفت فرعون ایمان آوردم که

بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ

بنی اسرائیل و من از جمله منقادانم و اگر برساند ترا خدا

(margin:) أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ

بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا
ضرری پس نیست دفع کننده مر آنرا مگر او و اگر خواهد ترا بنیکی پس نیست

راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور
برگرداننده مر فضل او را رساند بآن هر کرا میخواهد از بندگان خود و او آمرزنده

الرحيم **هود** فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل
مهربانست پس اگر اجابت نکنند مر شما را پس بدانید آنکه آنچه فرو فرستاده شده

بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون **الرعد**
بدانستن خداست و آنکه نیست معبودی مگر او پس آیا شما اسلام آورندگانید

قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب
بگو اوست پروردگار من نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من

ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض
و اگر آنکه قرآن سیر کرده شود باو کوهها یا پاره کرده شود باو زمین

او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا **الحجر** هذا بلاغ
یا سخن گفته شود باو مردگان بلکه مر خدا راست فرمان همه این رسانیدنیست

للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو اله واحد
مر مردمان را و از برای ترسانیده شوند باو و از برای آنکه بدانند آنکه او معبودی یگانه است

وليذكر اولوا الالباب **النحل** ينزل الملائكة
و از برای آنکه پند گیرند صاحبان عقلها فرو میفرستد فرشتگان را

بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا
بالروح الامر از فرمان خود بر آنکسی که میخواهد از بندگان خود و آنکه بترسانید

انه لا اله الا انا فاتقون الهكم اله واحد فالذين
آنکه شان است که نیست معبودی مگر من پس بپرهیزید از من معبود شما معبودیست یگانه پس آنانکه

لا يؤمنون بالاخرة قلوبهم منكرة وهم مستكبرون
ایمان نمی آورند بآخرت دلهای ایشان انکار کننده است و ایشان طلب بزرگی کنندگانند

وقال الله لا تتخذوا الهين اثنين انما هو اله واحد
و گفت خدا که فرا مگیرید خدایان دوگانه را نیست او مگر معبودی یگانه

فاياي فارهبون **الصافات** قل انما انا بشر مثلكم
پس خاص مرا پس بترسید مرا بگو ای محمد نیستم من مگر آدمی مثل شما که

يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان
وحی کرده میشود بسوی من آنکه معبود شما معبودیست یگانه پس هر کسی که

يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك
امید دارد رسیدن برحمت پروردگار خود پس باید که بکند کار نیکو و شریک نگرداند

بعبادة ربه احدا **طه** الله لا اله الا هو له الاسماء
به پرستیدن پروردگار خود کسی را خدا نیست معبودی مگر او مر او راست نامهای نیکو

الحسنى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم
نیکو بدرستی که من منم خدا نیست معبودی مگر من پس عبادت کن مرا و بپای دار

الصلوة لذكرى انما الهكم الله الذى لا اله
نماز را از برای یاد کردن من نیست معبود شما مگر خدای آنچنان خدای که نیست معبود
الا هو وسع كل شىء علما ۱۷ الانبياء وما ارسلنا من قبلك
مگر او بگنجیده همه چیز را از روی دانش و نفرستادیم ما از پیش تو
من رسول الا يوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون
هیچ پیغمبری را مگر که وحی کرده میشد بسوی او که شان آنست که نیست معبودی مگر من پس عبادت کنید مرا
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
و یاد کن یونس را علیه السلام چون رفت غضبناک پس دانست او که تنگ نکنیم ما روزی بر او
فنادى فى الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
پس نداکرد در آن تاریکیها که نیست معبودی مگر تو پاک و منزهی تو
انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من
بدرستی که من بودم از ستمکاران پس اجابت کردیم ما مر او را و رهانیدیم او را از
الغم وكذلك ننجى المؤمنين قل انما يوحى الى
آن غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را بگو نیست که وحی کرده میشود بمن
انما الهكم اله واحد فهل انتم مسلمون ۱ الحج
مگر آنکه معبود شما معبودیست یگانه پس آیا شما اسلام آورنده اید
ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله على ما
و از برای هر گروهی گردانیدیم ما موضع عبادتی تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه

رزقهم من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد فله
روزی داد ایشان را از چهارپایان حلال گوشت پس معبود شما معبودیست یگانه پس مر او را
اسلموا وبشر المخبتين المؤمنون فتعالى الله الملك الحق
منقاد باشید و مژده ده نیکوکاران را پس بلند است شان خدا که پادشاه بحقست
لا اله الا هو رب العرش الكريم القصص وهو الله
نیست معبودی مگر او پروردگار عرش بزرگوار است و اوست خدا
لا اله الا هو له الحمد فى الاولى والاخرة وله
که نیست معبودی مگر او مر او راست سپاس در دنیا و آخرت و مر او راست
الحكم واليه ترجعون العنكبوت الا الذين ظلموا منهم
حکم و فرمان و بسوی او باز گردانیده میشوند مگر آنانکه ستم کردند از ایشان
وقولوا امنا بالذى انزل الينا وانزل اليكم
و بگوئید ایمان آوردیم بآنچیزی که فرو فرستاده شد بسوی ما و فرو فرستاده شد بسوی شما
والهنا والهكم واحد ونحن له مسلمون فاطر
و معبود ما و معبود شما یکیست و ما مر او را اسلام آورندگانیم
يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من
ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ
خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا
آفریننده هست بجز خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست معبودی مگر

اللّه لا اله الا هو رب العرش العظيم النمل
خدا که نیست معبودی مگر او پروردگار عرش بزرگ

هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ الصافات إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
او پس از کجا دروغ میدارید — بدرستیکه ایشان بودند هرگاه گفته میشد مر ایشانرا

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ص قُلْ إِنَّمَا أَنَا
نیست معبودی مگر خدا بزرگی میکردند — بگو جز این نیست من مگر

مُنْذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الزمر
ترسانندهٔ و نیست هیچ معبودی مگر خدای یگانهٔ شکننده کارها

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي
می آفریند شما را در شکمهای مادران شما آفریدنی از پس آفریدنی در

ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ لا إله إلا هو لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
تاریکیهای سه گانه اینست خدا — مر او راست پادشاهی نیست معبودی مگر او

هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ المؤمن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
پس از کجا بر گردیده میشوید

حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ
الله اعلم و احکم فرو فرستادن کتاب از خدای ارجمند دانا آمرزنده

الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ
گناه و قبول کننده توبه سخت عقوبت خداوند عطا

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ
نیست معبودی مگر او بسوی اوست بازگشت اینست خدا پروردگار شما آفریننده

رَبُّكُمْ
پروردگار شما

كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ هُوَ الْحَيُّ
همه چیز نیست معبودی مگر او پس از کجا بدروغ باز میگردید — اوست زنده

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
که نیست معبودی مگر او پس بخوانید او را در حالیکه خالص کنندگان مر او را دین سپاس مر خدا را

رَبِّ الْعَالَمِينَ السجدة قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مثلكم يُوحَىٰ إِلَيَّ
که پروردگار عالمیان — بگو نیستم من مگر آدمی که وحی کرده میشود بمن

مثلكم
مانند شما

أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ
الا که جز این نیست معبود شما معبودیست یگانه پس راست باشید بسوی او و آمرزش خواهید

وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
و وای مر شرک آورندگان را آنانکه نمیدهند زکات را و ایشان

بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ الدخان رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بآخرت ایشانند کافران — پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي
و آنچه میان آن دو است اگر هستید یقین شوندگان نیست معبودی مگر او زنده میکرداند

وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ محمد
و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما که گروه پیشینیانند

فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
پس از کجا مر ایشان راست هرگاه آمد ایشان را پند ایشان پس بدان آنکه شان اینست که نیست معبودی

اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ
مگر خدا و آمرزش خواه از برای گناه خود و از برای مومنان و مومنات و خدا

يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوٰيكُمْ الحشر لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ
میداند بازگشت شما را و جای شما را اگر فرو میفرستادیم ما این قرآن را

عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ
بر کوه هر آینه میدیدی او را خشوع کننده پاره پاره شونده از ترس خدا و این

الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ
مثلها زدیم ما آنرا از برای مردمان که شاید ایشان تفکر کنند اوست خدا

الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ
آنچنان خدای که نیست معبودی مگر او داننده پنهان و آشکار است اوست بخشنده

الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
مهربان اوست خدا آنچنان که نیست معبودی مگر او پادشاه پاک منزه

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سلامت از نقص و آفت است ایمن گاه دارنده غالب اصلاح دهنده بزرگ کننده است

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
پاک و منزه است خدا از آنچه شریک میآورند اوست خدا آفریننده پیدا کننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ
صورت دهنده مر اوراست نامهای نیکو تسبیح میگویند مر او را آنچه در آسمانها و

الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ التغابن اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ
در زمین است و اوست غالب حکیم محکم کار خدائیست معبودی مگر او و

عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ المزمل رَبُّ الْمَشْرِقِ
بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان پروردگار مشرق و

وَالْمَغْرِبِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَاصْبِرْ
مغرب است نیست معبودی مگر او پس فرا گیر او را کارگذار و صبر کن

عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ يَا اَرْحَمَ
بر آنچه میگویند و دوری کن ایشان را دوری نیکو

الدعوات المشتملة على المناكين الدعوات والمناجات اليوم الخميس

البقرة وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيلُ
و یاد کن چون بر میداشت و بلند کرد ابراهیم پایه‌ها را از خانه کعبه و اسمعیل گفتند

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا
پروردگارا قبول کن از ما بدرستیکه تو توئی شنوای دانا پروردگارا و بگردان ما را

مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَاَرِنَا
منقادان مر امر ترا و بعضی از فرزندان ما را گروهی اسلام آورنده از برای تو و بنما ما را

مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
مکانهای عبادة ما و توبه ما را بدرستیکه تو توئی بسیار قبول کننده توبه و مهربان بر خلق و قبول کن

ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و

پروردگارا برانگیز در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخوانند بر ایشان آیات ترا

يعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم إنك أنت

و بیاموزد ایشان را قرآن و دانش و پاکیزه کرداند ایشان را بدرستی که تو تویی

العزيز الحكيم قل أتحاجوننا في الله وهو ربنا

ارجمند غالب محکم کار بگو آیا منازعت میکنید با ما در خدا و حال آنکه او پروردگار ماست

وربكم ولنا أعمالنا ولكم أعمالكم ونحن له

و پروردگار شما و ما راست کردارهای ما و شما راست کردارهای شما و ما مر او را

مخلصون ربنا آتنا في الدنيا وما له في الآخرة

مخلصانیم پروردگارا عطا کن ما را در دنیا و نیست مر او را در آخرت

من خلاق ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

هیچ نصیبی پروردگارا عطا کن ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حسنة وقنا عذاب النار ربنا أفرغ علينا صبرا

نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش دوزخ پروردگارا بریز بر ما صبری

وثبت أقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين

و ثابت دار قدمهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران

آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون

ایمان آورد پیغمبر بآنچه نازل شده باو از پروردگار او و مؤمنان

كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق

هر یک ایمان آوردند بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او گفتند جدا نکنیم

بين أحد من رسله وقالوا سمعنا وأطعنا غفرانك

میان یکی از فرستادگان او و گفتند شنیدیم ما و فرمان بردیم ما آمرزش تو میخواهیم

ربنا وإليك المصير لا يكلف الله نفسا إلا وسعها

پروردگارا و بسوی تست بازگشت همه تکلیف نمیکند خدا هیچ نفسی را مگر فراخور طاقت او

لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا ولا تؤاخذنا

مر او راست آنچه کسب کرد و بر اوست آنچه اکتساب نمود پروردگارا و فرا مگیر ما را

إن نسينا أو أخطأنا ربنا ولا تحمل علينا

اگر فراموش کنیم ما یا نادانسته کنیم ما پروردگارا و بار مکن بر ما باری

إصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا

سنگین چنانکه بار کردی آنرا بر آنکه بودند پیش از ما پروردگارا و بار مکن ما را آنچه

ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا

توانائی نباشد ما را بآن و در گذران از ما و بیامرز ما را و رحمت کن ما را

أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين آل عمران

تویی مولای ما پس یاری ده ما را بر گروه کافران

والراسخون في العلم يقولون آمنا به كل من عند

و آنانکه راسخ و ثابتند در دانش میگویند ایمان آوردیم ما به همه از نزد

ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا
پروردگار راست و پند نمی پذیرد مگر صاحبان عقلها پروردگارا مایل مگردان دلهای ما را

بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك
بعد از آنکه راه راست نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی

انت الوهاب ربنا انك جامع الناس ليوم
بدرستیکه تویی بسیار بخشنده پروردگارا بدرستیکه تو جمع کننده مردمانی از برای روز

لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد الذين يقولون
که نیست شک در آن بدرستیکه خدا خلاف نمیکند وعده را آنانکه میگویند

ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار
پروردگارا بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را گناهان ما و نگاهدار ما را از عذاب آتش دوزخ

الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين و
آن صبرکنندگان و راست گویندگان و عبادت کنندگان و نفقه کنندگان و

المستغفرين بالاسحار ربنا امنا بما انزلت واتبعنا
آمرزش خواهان در سحرها پروردگارا ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم

الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا اغفر لنا ذنوبنا
پیغمبر را پس بنویس ما را با گواهان پروردگارا بیامرز از برای ما گناهان

واسرافنا في امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم
ما را و از حد درگذشتن ما را در کارها و ثابت دار قدمهای ما را و یاری ده ما را بر گروه

الكافرين

الكافرين ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا
کافران پروردگارا نیافریدی این را باطل و بیهوده پاک و منزهی تو پس نگاهدار

عذاب النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته
ما را از عذاب آتش دوزخ پروردگارا بدرستیکه تو هر کرا درآوری در آتش دوزخ پس بتحقیق رسوا کردی او را

وما للظالمين من انصار ربنا اننا سمعنا مناديا
و نیست مر ستمکاران را هیچ از یاری کنندگان پروردگارا بدرستیکه شنیدیم آواز کننده

ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
که ندا میکند از برای ایمان که ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پروردگارا پس بیامرز از برای ما گناهان ما را

وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
و بپوش از ما گناهان بد ما را و بمیران ما را با نیکوکاران پروردگارا و بده ما را

ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة
آنچه وعده کردی ما را بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را روز قیامت

انك لا تخلف الميعاد النا ربنا اخرجنا من هذه
بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را پروردگارا بیرون آور ما را از این

القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنك وليا
ده که ستمکارند اهل آن و بگردان از برای ما از نزد خود دوستی را

واجعل لنا من لدنك نصيرا ربنا لم كتبت علينا
و بگردان از برای ما از نزد خود یاری کننده را پروردگارا چرا کشتن بر ما جهاد

القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب **المایده** ربنا آمنا
کارزار را چرا تأخیر نداری ما را تا مدتی نزدیک پروردگارا ایمان آوردیم ما
فاکتبنا مع الشاهدین وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا
پس بنویس ما را با گواهان وچیست ما را که ایمان نیاوریم بخدا و بآنچه آمد ما را از
من الحق ونطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین
راستی و صدق و امید داریم که درآورد ما را پروردگار ما با گروه صالحان
قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة
گفت عیسی پسر مریم خداوندا پروردگارا بفرست بر ما خوان نعمت از
من السماء تکون لنا عیدا لاولنا وآخرنا وآیة
آسمان که باشد از برای ما عیدی و سروری از اول ما و آخر ما و علامتی
منك وارزقنا وانت خیر الرازقین **الانعام** والله
باشد از تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی سوگند
ربنا ما کنا مشرکین ولو تری اذ وقفوا علی النار
بخدای پروردگار ما که نبودیم ما شریک آورندگان واگر بنگری آن هنگام که باز داشته شوند بر آتش دوزخ
فقالوا یا لیتنا نرد ولا نکذب بآیات ربنا و
پس گویند ای کاشکی ما باز گردانیده شویم تا دروغ نداریم آیات و علامات پروردگار
نکون من المؤمنین ولو تری اذ وقفوا علی ربهم
و باشیم از جمله مؤمنان واگر بنگری آن هنگام که باز داشته شوند بر پروردگار ایشان

قال

قال الیس هذا بالحق قالوا بلی وربنا قال فذوقوا العذاب
گوید آیا نیست این حق و صدق گویند بلی حقست سوگند بپروردگار گوید پس چشید عذاب را
بما کنتم تکفرون ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا
بآنچه بودید که کافر شدید پروردگارا برخوردار شد بعضی از ما ببعضی و رسیدیم ما
اجلنا الذی اجلت لنا قال النار مثواکم خالدین فیها
بمدت ما آنچنانی که معین کردی از برای ما گوید خدا که آتش جای شماست همیشه باشند در آن
الا ما شاء الله ان ربك حکیم علیم **الاعراف** ونادیهما
مگر آنچه خواسته خدا بدرستی که پروردگار تو حکیم و داناست و ندا کرد آدم و حوا را
ربهما الم انهکما عن تلکما الشجرة واقل لکما ان
پروردگار ایشان که آیا نهی نکردم شما را از این درخت و نگفتم مر شما را که بدرستی که
الشیطان لکما عدو مبین قالا ربنا ظلمنا انفسنا
شیطان مر شما را دشمنی است ظاهر گفتند ایشان پروردگارا ستم کردیم نفسهای خود را
وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین
واگر نیامرزی مر ما را و رحم نکنی ما را هر آینه باشیم البته از زیانکاران
ربنا هؤلاء اضلونا فآتهم عذابا ضعفا من النار
پروردگارا این گروه گمراه کردند ما را پس بده ایشان را عذابی دو باره از آتش دوزخ
لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلکم الجنة
هر آینه بتحقیق که آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی و ندا کرده شوند که این بهشت

اورثتموها بما كنتم تعملون ربنا لا تجعلنا مع القوم
میراث داده شدید آن بآنچه بودید که عمل میکردید پروردگارا مگردان ما را با گروه
الظالمين لقد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا
ستمکاران هر آینه بتحقیق که آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی پس آیا ما راست
من شفعاء فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي
از شفاعت کنندگان که شفاعت کنند ما را یا باز کرده شویم که عمل کنیم غیر آنچه
كنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا
بودیم که عمل میکردیم بتحقیق که زیان کردند نفسهای خود را و گم شد از ایشان آنچه بودند
يفترون قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في
که بر هم می‌بافتند بتحقیق که بر هم بافتیم ما بر خدا دروغ ما که اگر باز گردیم ما در
ملتكم بعد اذ نجينا الله منها وما يكون لنا ان
ملت شما پس از آنکه رهانید ما را خدا از آن و نباشد سزاوار ما را آنکه
يكون لنا ان نعود فيها الا ان يشاء الله ربنا وسع
باز گردیم در آن مگر آنکه خواهد خدای پروردگار ما گنجیده است
ربنا كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح بيننا
پروردگار ما همه چیز را از روی دانش بر خدا توکل کردیم ما پروردگارا حکم کن میان ما
وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين والحمد لله
میان قوم ما براستی و تو بهترین حکم کنندگانی

رب العالمين قالوا انا الى ربنا منقلبون وما تنقم
گفتند بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود بازگردندگانیم و عقوبت نمیکنی
منا الا ان آمنا بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا افرغ
از ما مگر از برای آنکه ایمان آوردیم بآیات پروردگار خود چون آمد ما را پروردگارا بریز
علينا صبرا وتوفنا مسلمين وقالوا لئن لم يرحمنا
بر ما صبری را و بمیران ما را در حالتی که مسلمان باشیم و گفتند هر آینه اگر رحمت نکند ما را
ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين رب اغفر
پروردگار ما و نیامرزد ما را هر آینه باشیم ما البته از جمله زیانکاران پروردگارا بیامرز مرا
لي ولاخي وادخلنا في رحمتك وانت ارحم الراحمين
و مر برادر مرا و درآور ما را در رحمت خود و تو مهربانتر مهربانانی
انت ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين
توئی متصرف در امور پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو بهترین آمرزندگانی
یونس ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمين ونجنا
پروردگارا مگردان ما را آزمایش مر گروه ستمکاران را و نجات ده ما را
برحمتك من القوم الكافرين ربنا انك آتيت فرعون
برحمت خود از گروه کافران پروردگارا بدرستیکه تو دادی فرعون
وملأه زينة واموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا
و اکابر قوم او را زینت و اموال بسیار در زندگی دنیا پروردگارا از برای آنکه گمراه کردند

عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم واشدد على
از راه تو پروردگارا محو کن بر مالهای ایشان و سخت گیر بر
قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الاليم يوسف رب
دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا آنکه ببینند عذاب دردناک را پروردگارا
قد آتيتني من الملك وعلمتني من تأويل الاحاديث
بتحقیق که دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از تاویل سخنها و خوابها
فاطر السموات والارض انت وليي في الدنيا والآخرة
توئی آفریننده آسمانها و زمین توئی متصرف در امور و کارساز من در دنیا و آخرت
توفني مسلما والحقني بالصالحين ابرهيم ربنا اني
بمیران مرا در حالتی که باشم من مسلمان و دررسان مرا به نیکان پروردگارا بدرستیکه
اسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك
من ساکن گردانیدم بعضی از فرزندان خود را بموضعی که نیست صاحب کشت نزد خانه تو که
المحرم ربنا ليقيموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس
حرمت داده شده است پروردگارا از برای آنکه بپای دارند نماز پس بگردان دلهای بعضی از مردمان
تهوي اليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرون
راغب و مایل بسوی ایشان و روزی ده ایشان را از میوها شاید ایشان شکر کنند
ربنا انك تعلم ما نخفي وما نعلن وما يخفى على الله
پروردگارا بدرستی که تو میدانی آنچه پنهان میکنیم و آنچه آشکارا میکنیم و پوشیده نیست بر خدا

من

من شيء في الارض ولا في السماء الحمد لله الذي
هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان سپاس مر خدای را که
وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي
بخشید مرا بر پیری اسمعیل و اسحق بدرستی که پروردگار من
لسميع الدعاء رب اجعلني مقيم الصلوة ومن
هر آینه شنونده دعاست پروردگارا بگردان مرا بپای دارنده نماز و بعضی از
ذريتي وتقبل دعاء ع ربنا اغفر لي و
فرزندان مرا و قبول کن دعای مرا پروردگارا بیامرز مرا و مر
لوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ربنا
مادر و پدر مرا و مر مؤمنان را روزی که قائم شود حساب خلایق پروردگارا
اخرنا الى اجل قريب النحل ربنا هؤلاء شركاؤنا
مهلت ده ما را تا مدتی نزدیک پروردگارا این گروه شریکان ما
الذين كنا ندعوا من دونك فالقوا اليهم
آنانند که بودیم ما که میخواندیم ایشان را از غیر تو پس افکندند بسوی ایشان
القول انكم لكاذبون الكهف ربنا آتنا من
گفتار را که بدرستی که شما هر آینه دروغگویانید پروردگارا بده ما را از
لدنك رحمة وهيئ لنا من امرنا رشدا رب
نزد خود رحمتی و مهیا کن برای ما از کار ما راه راستی پروردگارا

ربنا
پروردگارا

السموات والارض لن ندعوا من دونه الها لقد
آسمانها و زمین هرگز نخوانیم از غیر او معبودی را هر آینه بتحقیق

قلنا اذا شططا **طه** ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا
گفتیم آنگاه سخنی دور از صواب پروردگارا بدرستیکه ما میترسیم از آنکه پیش گیرد بر ما بعقوبت

او ان یطغی ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم
یا آنکه زیاده کند طغیان را پروردگار ما آن خدا ایست که عطا کرد هر چیزی را آفرینش خود پس

هدی انا امنا بربنا لیغفر لنا خطایانا وما اکرهتنا
هدایت کرد بدرستیکه ما ایمان آوردیم از برای آنکه بیامرزد برای ما گناهان ما را و آنچه ما را اکراه داشتی

علیه من السحر والله خیر وابقی ربنا لولا ارسلت
ما را بر آن از سحر کردن و خدا بهترست و باقیتر پروردگارا چرا نفرستادی

الینا رسولا فنتبع آیاتک من قبل ان نذل ونخزی
بسوی ما پیغمبری تا متابعت و پیروی کنیم آیات ترا پیش از آنکه خوار شدیم و رسوا شویم

الانبیاء قال رب احکم بالحق وربنا الرحمن المستعان
گفت پروردگارا حکم کن به راستی و پروردگار ما بسیار بخشنده یاری خواسته شده است

علی ما تصفون **الحج** الذین اخرجوا من دیارهم بغیر
بر آنچه وصف میکنید آنکه بیرون کرده شدند از خانههای خود بغیر

حق الا ان یقولوا ربنا الله ولولا دفع الله الناس
استحقاق مگر آنکه گفتند که پروردگار ما الله است و اگر نه دفع کردن خدا مردمان را

بعضهم

بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبیع وصلوات و
بعض ایشان را به بعضی هر آینه ویران شود صومعهها و عبادت خانهها و موضع نماز و

مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا **المؤمنون**
مسجدها که یاد کرده میشود در آنها نام خدا بسیار

ربنا غلبت علینا شقوتنا وکنا قوما ضالین
پروردگارا غالب شده بود بر ما بدبختی ما و بودیم ما گروهی گمراهان

ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون
پروردگارا بیرون آور ما را از آتش پس اگر باز گشتیم بعذاب پس بدرستیکه ما ستمکاریم

ربنا امنا فاغفر لنا وارحمنا وانت خیر الراحمین
پروردگارا ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو بهترین رحمت کنندگانی

الفرقان ربنا لقد استکبروا فی انفسهم وعتوا
پروردگارا هر آینه بتحقیق که تکبر کردند ایشان در نفسهای خود و گردنکشی کردند

عتوا کبیرا ربنا اصرف عنا عذاب جهنم
گردنکشی بزرگ پروردگارا بگردان از ما عذاب جهنم را

ان عذابها کان غراما ربنا هب لنا من ازواجنا
بدرستیکه عذاب آن هست لازم پروردگارا ببخش ما را از زنان ما

وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما
و فرزندان ما روشنایی چشمان و بگردان ما را از برای پرهیزکاران پیشوا

[illegible]

الشعراء إنا إلى ربنا منقلبون إنا نطمع أن يغفر لنا

بدرستی که ما بپروردگار خود بازگردندگانیم بدرستی که ما امید داریم اینکه بیامرزد مارا

ربنا خطايانا أن كنا أول المؤمنين القصص قال رب

پروردگار ما گناهان ما را اینکه باشیم ما نخستین مومنان گفت پروردگارا

إني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور

بدرستیکه من ستم کردم بر نفس خود پس بیامرز مرا پس آمرزید مر اورا بدرستیکه او اوست آمرزنده مهربان

الرحيم ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا فنتبع آياتك

مهربان پروردگارا چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری را پس پیروی کنیم آیات ترا

ونكون من المؤمنين وإذا يتلى عليهم قالوا آمنا به

و باشیم ما از جمله مومنان وهرگاه خوانده شود بر ایشان گویند ایمان آوردیم بآن

إنه الحق من ربنا إنا كنا من قبله مسلمين ربنا هؤلاء

بدرستی که آن حقست از نزد پروردگار ما بدرستی که ما بودیم پیش از این مسلمانان پروردگارا این

الذين أغوينا أغويناهم كما غوينا تبرأنا إليك ما

گروه آنانند که گمراه کردیم ما گمراه کردیم ایشان را چنانچه گمراه شدیم بیزار گردیم بسوی تو که

كانوا إيانا يعبدون السجدة ربنا أبصرنا وسمعنا فارجعنا

بودند که ما را پرستش میکردند پروردگارا دیدیم ما و شنیدیم ما پس بازگردان

نعمل صالحا إنا موقنون ربنا إنا أطعنا سادتنا وكبراءنا

ما را تا عمل صالح کنیم بدرستی که ما یقین شوندگانیم پروردگارا بدرستی که فرمان بردیم مهتران و بزرگان خود را

فأضلونا السبيلا ربنا آتهم ضعفين من العذاب و

پس ضلال کردند از راه راست پروردگارا بده ایشان را دو برابر دیگران از عذاب و دور گردان

العنهم لعنا كبيرا سبا ربنا باعد بين أسفارنا

از رحمت خود دور کردنی بزرگ پروردگارا دور گردان میان ها و میان سفرهای ما

وظلموا أنفسهم فجعلناهم أحاديث ومزقناهم كل

وستم کردند نفسهای خود را پس کردانیدیم ایشان را سخنها و جدا کردانیدیم ایشان را همه

ممزق إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور

جدا ایها بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را

قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق وهو

بگو جمع میکند میان ما پروردگار ما پس حکم میکند میان ما براستی و اوست

الفتاح العليم فاطر وقالوا الحمد لله الذي أذهب

بسیار حکم کننده دانا وگفتند سپاس مر خدای را آن خدایی که برد

عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور ربنا أخرجنا

از ما اندوه را بدرستی که پروردگار ما آمرزنده سپاس دارنده است پروردگارا بیرون آور

نعمل صالحا غير الذي كنا نعمل أولم نعمركم

ما را تا عمل صالح کنیم غیر آنچه بودیم ما که عمل میکردیم گوید خدا آیا عمر ندادیم شما را

ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير يس

آنچه پند گیرد در آن هر که طلب پند کند و حال آمد شما را بیم کننده

قالوا ربنا يعلم انا اليكم لمرسلون **الصافات** لحق علينا

گفتند پروردگار ما میداند بدرستی که ما بسوی شما هر آینه فرستاده شده گانیم / پس درست شد بر ما

قول ربنا انا لذائقون **ص** ربنا عجل لنا قطنا قبل

گفتن پروردگار ما بدرستی که ما هر آینه چشنده گانیم / پروردگارا زود ده ما را نصیب ما پیش

يوم الحساب ربنا من قدم لنا هذا فزده عذابا ضعفا

از روز حساب پروردگارا هر که پیش رو ما را این راه پس زیاده کن او را عذاب دو برابر

في النار **المؤمن** ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما فاغفر

در آتش دوزخ / پروردگارا گنجیده همه چیز را از روی رحمت و دانا پس بیامرز مر آنها را

للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم ربنا

که بازگشت کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ پروردگارا

وادخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح من

و در آور ایشان را در بهشتهای رحمت آن بهشتهائی که وعده کردی ایشان را و کسی که نیکی کرده از

آبائهم وازواجهم وذرياتهم انك انت العزيز

پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان بدرستی که تو توی ارجمند غالب

الحكيم وقهم السيئات ومن تق السيئات يومئذ فقد رحمته

کار صواب و نگاه دار ایشان را از بدیها و هر کرا نگاه داری از بدیها در آن روز پس بتحقیق رحمت کردی او را

وذلك هو الفوز العظيم ربنا امتنا اثنتين واحييتنا

و این آن رستگاری بزرگست / پروردگارا میرانیدی ما را دو بار و زنده کردی ما را

انتهى

اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل

دو بار پس اعتراف کردیم بگناهان خود پس آیا هست به بیرون شدن هیچ راهی

قالوا لو شاء ربنا لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم

گفتند اگر میخواست پروردگار ما هر آینه فرو میفرستاد فرشتگان را پس بدرستی که ما بآنچه فرستاده شدید

به كافرون ربنا ارنا اللذين اضلانا من الجن

آن کافرانیم پروردگارا بنمای ما را آن دو گروه که گمراه کردند ما را از پریان

والانس نجعلهما تحت اقدامنا ليكونا من الاسفلين

و آدمیان که بگردانیم ایشان را در زیر قدمهای خود تا باشند از پست ترینها

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل

بدرستی که آنانکه گفتند پروردگار ما الله تعالی پس استقامت کردند فرود آیند بران

عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا

بر ایشان فرشتگان و گویند که مترسید و اندوهناک مباشید و بشارت و مژده گیرید

بالجنة التي كنتم توعدون **الشورى** الله ربنا

ببهشتان آن بهشتی که بودید که وعده کرده شده بودید / خدایست پروردگار ما

وربكم لنا اعمالنا ولكم اعمالكم لا حجة بيننا و

و پروردگار شما ما راست کردارهای ما و مر شما راست کردارهای شما نیست حجتی میان ما و

بينكم الله يجمع بيننا واليه المصير **الزخرف** وانا الى

میان شما خدا جمع میکند میان ما و بوی است بازگشت / و بدرستی که ما بسوی

ربنا لمنقلبون **الدخان** ربنا اكشف عنا العذاب

پروردگار خود هر آینه بازگردندگانیم — پروردگارا بردار از ما عذاب دوزخ را

انا مؤمنون **الاحقاف** ان الذين قالوا ربنا الله ثم

بدرستی که ما گروندگانیم — بدرستی که آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس

استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون قال رب

استقامت کردند پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند گفت پروردگارا

اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى

توفیق ده مرا آنکه شکر گوییم نعمت ترا آن نعمتی که انعام کردی بر من و بر

والدي وان اعمل ترضيه واصلح لي في ذريتي

صالحا

پدر و مادر من و آنکه بکنم عمل که خشنود شوی و بپسندی آنرا و باصلاح آور مرا در فرزندانم

اني تبت اليك واني من المسلمين ويوم يعرض الذين

بدرستی که من بازگشت کردم بسوی تو و بدرستی که من از جمله مسلمانانم — و روزی که عرض کرده شوند آنانکه

كفروا على النار اليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا

کافر شدند بر آتش دوزخ گوییم آیا نیست این حق و درستی گویند بلی حقست قسم به پروردگار ما

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون **ق** قال

گوید حق سبحانه پس بچشید عذاب را بآنچه بودید که کافر شدید — گوید

قرينه ربنا ما اطغيته ولكن كان في ضلال بعيد

همنشین او پروردگارا از راه نبردم من او را و لکن بود او در گمراهی دور

الحشر

الحشر ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا

پروردگارا بیامرز ما را و مر برادران ما را آنکه پیشی گرفتند ما را

بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا

با ایمان آوردن و مگردان در دلهای ما کینه و حسد از برای آنکه ایمان آوردند پروردگارا

انك رؤف رحيم **الممتحنه** ربنا عليك توكلنا واليك

بدرستی که تو بسیار مهربان و رحیمی — پروردگارا بر تو توکل کردیم ما و بسوی تو

انبنا واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين

بازگشت کردیم و بسوی تست بازگشتن — پروردگارا مگردان ما را آزمایش از برای آنکه

كفروا واغفر لنا ربنا انك انت العزيز الحكيم

کافر شدند و بیامرز ما را پروردگارا بدرستی که تو توی غالب ارجمند صواب کردار

ربنا **الطلاق** ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على

پروردگارا تمام گردان برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستی که تو بر

كل شيء قدير وضرب الله مثلا للذين امنوا امرات

همه چیزی توانایی — و زد خدای تعالی مثلی مر آنانرا که ایمان آوردند زن

فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في

فرعون — آنهنگام که گفت پروردگارا بنا کن برای من نزد خود خانه در

الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم

بهشت و رهان مرا از فرعون و کردار او — و رهان مرا از گروه

الظالمین قالوا سبحان ربنا انا کنا ظالمین نوح ع م

ستمکاران گفته پاک و منزه پروردگار ما بدرستی که ما بودیم ستمکاران

رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا

پروردگارا بیامرز مرا و مر مادر و پدر مرا و مر کسی را که در آید در خانه من در حالتی که مؤمن باشد

وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا

و مر مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را و زیاده مکن ستمکاران را الا هلاک و عذاب

الدهر انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا

جز این نیست که طعام دهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما مکافاتی و نه

شکورا انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا

ثنا و ستایشی بدرستی که ما میترسیم از پروردگار خود در روزی که ترش روی باشند مردمان غایت ترش رویی

فوقیهم الله شر ذلک الیوم ولقیهم نضرة وسرورا

پس نگاه داشت ایشان را خدا از بدی آن روز و رسانید بایشان تازه رویی و شادمانی

وجزاهم بما صبروا جنة

و پاداش داد ایشان را به آنچه صبر کردند بهشت و لباس

وحریرا یا رازق الثقلین یا ارحم الراحمین

حریر

آیات الارزاق وقد سبق شرحها فی صدر الکتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین

الله اعلم این کتاب که قرآنست نیست هیچ شکی در آن راه نماینده است مر پرهیزکاران را

الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة

آنانکه ایمان می آورند بدل و بپای میدارند نماز را

ومما رزقناهم ینفقون یا ایها الناس اعبدوا

و از آنچه روزی دادیم ایشان را انعام میکنند ای گروه مردمان پرستش

ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم

کنید پروردگار خود را پروردگاری که آفریده شما را و آنان را که پیش از شما بودند که شاید شما

تتقون الذی جعل لکم الارض فراشا والسماء

پرهیزکار باشید آن خداوندی که گردانید برای شما زمین را بساط گسترده و آسمان را

بناء وانزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات

بنای رفیع و فرو فرستاد از آسمان آبرا پس بیرون آورد بسبب آن بعضی میوه را

رزقا لکم فلا تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون

بجهت روزی دادن مر شما را پس مگردانید برای خدا همتایان و حال آنکه شما میدانید

وبشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات ان

و مژده ده آنان را که ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند که بتحقیق

لهم جنات تجري من تحتها الانهار كلما
مر ایشان راست بوستانها که روانست از زیر درختان آن جویهای آب هرچند

رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي
روزی داده شوند از آن از میوه روزی دادن گویند این است آنچه روزی

رزقنا من قبل واتوا به متشابها ولهم
داده شده ایم ما از پیش این و داده شوند بان مانندی و مر ایشان راست

فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون
در آن زنان پاکیزه کرده شده و ایشان در آن جاویدان باشند

ثم بعثناكم من بعد موتكم
پس برانگیختیم شما را از پس مردن شما

لعلكم تشكرون وظللنا عليكم الغمام
که شاید شما شکر کنید و سایه‌بان کردیم بر شما ابر را

وانزلنا عليكم المن والسلوى كلوا
و فرو فرستادیم بر شما ترانگبین و مرغ بریان را و گفتیم بخورید

من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا و
از پاکیزه‌های آنچه روزی دادیم شما را و ستم نکردند ما را

لكن كانوا انفسهم يظلمون واذ استسقى
ولیکن بودند که نفسهای خود را ستم کردند و یاد کن چون طلب باران کرد

موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر
موسی برای قوم خود پس گفتیم ما که بزن عصای خود را بر آن سنگ

فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل
پس شکافته شد از آن سنگ دوازده چشمه بتحقیق دانستند همه

اناس مشربهم كلوا واشربوا من رزق
مردمان موضع آبخوردن خود بخورید و بیاشامید از روزی

الله ولا تعثوا في الارض مفسدين واذ قال ابرهيم
خدا و فساد مکنید در روی زمین در حالتی که فساد کنندگان باشید و چون گفت ابراهیم

رب اجعل هذا بلدا امنا وارزق اهله من
که پروردگار بگردان این شهر یعنی مکه شهر ایمن و روزی ده اهل او را

الثمرات من امن منهم بالله واليوم الاخر قال
از میوه‌ها هر که ایمان آورد از ایشان بخدا و روز پسین گفت خدا

ومن كفر فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب
و هر که کافر شود پس بهره دهیم او را اندکی پس بیچاره گردانیم او را بعذاب

النار وبئس المصير يا ايها الناس كلوا مما
آتش و بد بازگشت آتش ای گروه مردمان بخورید از آنچه

في الارض حلالا طيبا يا ايها الذين امنوا كلوا
در زمین است حلال پاکیزه ای آنکه که ایمان آورده اید بخورید

من طيبات ما رزقناكم واشكروا

از پاکیزهای آنچه روزی دادیم شما را و شکر کنید

لله ان كنتم اياه تعبدون زين للذين

مر خدا را اگر هستید که خاص او را پرستش میکنید زینت داده شده برای آنانکه

كفروا الحيوة الدنيا ويسخرون من الذين امنوا

کافر شدند زندگانی دنیا و تسخر و استهزا میکنند از آنکه ایمان

والذين اتقوا فوقهم يوم القيمة والله يرزق

آورده اند و آنکه پرهیزکار گردند بالای ایشان روز قیامت و خدا روزی میدهد

من يشاء بغير حساب والوالدات يرضعن

هرکه میخواهد بی حساب و شمار را و مادران شیر میدهند

اولادهن حولين كاملين لمن اراد ان يتم

فرزندان خود را دو سال تمام مر آنکه خواهد که تمام کنند

الرضاعة وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن

شیر دادن را و بر پدر فرزند است روزی دادن ایشان را و پوشش ایشان

بالمعروف لا تكلف نفس الا وسعها لا

بانچه شایسته باشد تکلیف کرده نشود هیچ نفسی مگر بقدر طاقت او باید

تضار والدة بولدها ولا مولود له بولده و

که فرزند رساند هیچ مادر بفرزند خود و نه فرزند بفرزند خود

على الوارث مثل ذلك فان ارادا فصالا عن

و بر وارث پدر لازم است مثل و مانند این نفقه و کسوت پس اگر خواهند جدا کردن از شیر

تراض منهما وتشاور فلا جناح عليهما وان

از روی رضای یکدیگر و مشورت هم پس نیست گناهی بر ایشان و اگر

اردتم ان تسترضعوا اولادكم فلا

خواهید اگر طلب کنید دایه که شیر دهد فرزندان شما را پس نیست

جناح عليكم اذا سلمتم ما اتيتم بالمعروف

گناهی بر شما هرگاه تسلیم کنید آنچه داده اید اجره او بانچه شایسته بوده

واتقوا الله واعلموا ان الله بما تعملون بصير يا ايها

و بپرهیزید خدا را و بدانید که خدا با نچه عمل میکنید بیناست ای آنکسان

الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي

که ایمان آورده اید نفقه کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید

يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون

روزی که نه خرید و فروش در آن و نه دوستی و نه شفاعت و کافران

هم الظالمون آل عمران قل اللهم مالك الملك

ایشانند ستمکاران بگو بار خدایا ای صاحب ملک

تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء

میدهی پادشاهی هرکرا میخواهی و میگیری پادشاهی از هرکه میخواهی

وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك

و عزیز میکنی هر کرا خواهی و خوار میکنی هر کرا میخواهی بدست تست

الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل

نیکویی بدرستی که تو بر همه چیز توانایی در می آوری شب را

في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي

در روز و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را

من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق

از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی

من تشاء بغير حساب فتقبلها ربها بقبول

کسی را که میخواهی بی حساب و شمار پس قبول کرد او را پروردگار او

حسن وأنبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا

بقبول نیکو و رویانید او را رویانیدنی نیکو و کفیل شد او را زکریا

كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها

هر گاه در می آمد بر وی زکریا در محراب نماز یافت نزد او

رزقا قال يا مريم أنى لك هذا قالت هو

روزی گفت ای مریم از کجاست ترا این روزی گفت آن

من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير

از نزد خداست بدرستی که خدا روزی میدهد هر کرا میخواهد بی حساب

حساب

حساب ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل

و شمار و مپندار آنها را که کشته شدند در راه

الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون فرحين

خدا مردگان بلکه زندگانند نزدیک پروردگار خود روزی داده میشوند شادمانند

بما آتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم

بدانچه داد ایشانرا خدا از فضل خود و مژده میخواهند برسانند بآنانکه نرسیدند بایشان

يلحقوا بهم من خلفهم ألا خوف عليهم ولا هم

[illegible] از پس ایشان که هیچ ترسی نیست بر ایشان و نه ایشان

يحزنون — النساء — ولا تؤتوا السفهاء أموالكم

اندوهناک میشوند و مدهید سفیهان و بیعقلان را مالهای خود

التي جعل الله لكم قياما وارزقوهم فيها و

آن مالها که کرد خدا [illegible] و روزی دهید ایشانرا

اكسوهم وقولوا لهم قولا معروفا

و بپوشانید ایشانرا و بگویید مر ایشانرا گفتنی شایسته

وإذا حضر القسمة أولو القربى واليتامى و

و هر گاه حاضر شوند در قسمت صاحبان خویش و یتیمان و

المساكين فارزقوهم منه وقولوا لهم قولا

درویشان پس روزی دهید ایشانرا از آن و بگویید مر ایشان را گفتنی

معروفا وماذا عليهم لو امنوا بالله واليوم الاخر
نیک و چیست بر ایشان اگر ایمان آورند بخدا و روز آخرت
وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما
و نفقه کنند از آنچه روزی داد ایشان را خدا و است خدا بایشان دانا
المائدة وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا
و بخورید از آنچه روزی کرد شما را خدا روزی حلال و پاکیزه
واتقوا الله الذي انتم به مؤمنون قال عيسى
و بپرهیزید خدا را آن خدای که شما باو گروندگانید گفت عیسی
ابن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من
پسر مریم خداوندا پروردگارا فرو فرست بر ما نعمت از
السماء تكون لنا عيدا لاولنا واخرنا واية منك
آسمان که باشد مارا عیدی برای اول ما و آخر ما و علامتی
وارزقنا وانت خير الرازقين الانعام ومن
و روزی ده مارا و تو بهترین روزی دهندگانی و بعضی از
الانعام حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله
چهارپایان بردارنده و گسترانیده بخورید از آنچه روزی داده شمارا خدا
ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم
و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستی که او مر شما را

[illegible]

عدو مبين قل تعالوا اتل ما حرم ربكم عليكم
دشمن ظاهر است بگوی بیایید که بخوانم آنچه حرام کرده پروردگار شما
الا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا
که شریک میاورید بخدا هیچ چیز را و بمادر و پدر نیکویی کنید نیکویی کردن
ولا تقتلوا اولادكم من املاق نحن نرزقكم
و مکشید فرزندان خود را از ترس درویشی که ما روزی میدهیم
واياهم ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها
شمارا و ایشان را و نزدیک مشوید عملهای بد را آنچه ظاهر است از آن
وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا
و آنچه پوشیده است و مکشید هیچ نفسی را آنچنان نفسی که حرام گردانیده است
بالحق ذلكم وصاكم به لعلكم تعقلون
خدا مگر بحق اینست که وصیت کرد شما را بآن که شاید شما عاقل شوید
الاعراف يا بني ادم خذوا زينتكم عند كل مسجد و
ای فرزندان آدم فرا گیرید زینت خود را نزد هر مسجدی
كلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين
و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید بدرستی که خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را
قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات
بگوی کیست که حرام کرده است زینت خدا آن زینت که بیرون آورد برای بندگان خود

مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

از روزی بگو آنها مر آنانراست که ایمان آوردند در زندگانی دنیا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

پاک و خالص در روز قیامت همچنین تفصیل میدهیم آیتها را

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ

از برای گروهی که میدانند و وحی کردیم ما بموسی آنهنگام که طلب

قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ

آب کرد از وی قوم او آنکه بزن عصای خود را بر آن سنگ پس روان شد از

اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ

آن دوازده چشمه بتحقیق که دانستند هر کس از مردمان آبخور

وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ

خود را و سایه بان کردیم ما بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم ما بر ایشان ترانگبین

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا

مرغ بریان را بخورید از پاکیزهای آنچه روزی دادیم ما شما را و ستم

ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ الانفال

نکردند ما را ولیکن بودند که نفسهای خود را ستم میکنند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ

می پرسند ترا ای محمد از مالهای غنیمت بگوی مالهای غنیمت مر خدا و رسول او راست

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا

پس بپرهیزید خدا را و اصلاح کنید در میان خود و فرمان برید

اللّٰهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ

خدا و رسول او را اگر هستید شما گروندگان نیست مومنان

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ

مگر آنانکه هرگاه یاد کرده شود خدا میترسد دلهای ایشان و هرگاه خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

بر ایشان آیات او زیاده میکند ایشان را ایمان و بر پروردگار خود توکل میکنند

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آنکسانکه بپای میدارند نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را نفقه میکنند

أُولٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ

آن گروه ایشانند مومنان بتحقیق مر ایشان راست درجهای بلند نزد

رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ وَاذْكُرُوا

پروردگار ایشان و آمرزش و روزی بزرگوار و یاد کنید آن

إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ

هنگام که شما اندک بودید ضعیفان بودید در زمین میترسیدید

اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوٰيكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ
از آنکه در ربایند شما را مردمان پس جای داد شما را و قوت داد شما را بیاری
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
و روزی داد شما را از پاکیزهای چیزها شاید که شما شکر کنید
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فِي
و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند با تفاق شما در
سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا اُولٰئِكَ
راه خدا تعالی و آنانکه جای دادند و یاری کردند آن گروه
هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
ایشان مومنانند بتحقیق مر ایشان راست آمرزش و روزی
كَرِيمٌ يونس عليه السلام قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ
بزرگوار بگوی کیست که روزی دهد شما را امید بر از آسمان و زمین
اَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
آیا کیست مالک گوش و چشمها را و کیست که بیرون می آورد زنده را
الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ
از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده و کیست که تدبیر میکند
فَسَيَقُولُونَ اللهُ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُونَ يَا
در کارها پس زود باشد که بگویند خداست پس بگو آیا پس نمی پرهیزید ای

اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ
گروه مردمان بتحقیق که آمد شما را موعظه و پندی از نزد پروردگار شما و شفاست
لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ
برای آنچه در سینهای شماست و راه نماینده و رحمتیست برای مومنان
قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا
بگوی بفضل خدا و رحمت اوست پس بسبب آن پس باید که شاد شوند
هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ قُلْ اَرَاَيْتُمْ مَا اَنْزَلَ اللهُ
که آن بهتر است از آنچه جمع میکنند بگو خبر کنید مرا که آنچه فرو فرستاد
لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ
خدا برای شما از روزی پس گردانیدید بعضی از آنرا حرام بعضی از حلال بگو
آللهُ اَذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللهِ تَفْتَرُونَ وَلَقَدْ بَوَّاْنَا
آیا خدا دستوری داد بر شما را یا بر خدا دروغ می بافید هر آینه بتحقیق جای دادیم
بَنِي اِسْرَائِيلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ
ما بنی اسرائیل را جای دادن راستی و روزی دادیم ایشان را از
الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّٰى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ
پاکیزهای پس اختلاف نکردند تا آنکه آمد ایشان را علم و دانای
اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا
به راستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ **هود** وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ

دران اختلاف میکردند ونیست هیچ جنبنده در روی زمین

إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا

مگر بر خداست روزی او و میداند مکان آرام او و مکان بودن

كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ

او را همه اینها در نوشته ظاهر است گروه هود گفت ای قوم من آیا دیدید

إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ

که بودم من بر پیدایی از پروردگار خود و روزی داد مرا

رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا

از او روزی نیکو و نمیخواهم من آنکه مخالفت کنم شما را بانچه

أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

باز میدارم شما را از آن نمیخواهم من مگر اصلاح کار شما را آنچه توانستم

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ

و نیست توفیق من مگر بخدای [illegible] بر او توکل کردم و بسوی او

أُنِيبُ **الرعد** وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ

بازگشت میکنم و آنانکه صبر کردند بجهت طلب رضای پروردگار خود

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

و بپای داشتند نماز را و نفقه کردند از آنچه روزی دادیم ایشان را

سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ

پنهان و آشکارا دفع میکنند به نیکی کردن بدی را

أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ

آن گروه مر ایشان راست خانه آخرت خدا میگشاید روزی را

لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

بر آنکس که میخواهد و تنگ میکند و شاد مانند به زندگانی دنیا

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ **ابرهيم** قُلْ لِعِبَادِيَ

و نیست زندگانی دنیا مگر متاعی بگو مر بندگان مرا

فِي الْآخِرَةِ

در آخرت

الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا

آنانکه ایمان آوردند که بپای دارند نماز را نفقه کنند از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روز

يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

نه خرید و فروش بود دران و نه دوستان خدا آنکه آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آبرا

فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ

پس بیرون آورد بسبب آن از انواع میوها روزی دادن مر شما را و مسخر کرد برای شما

[illegible]

الفلك لتجري في البحر بأمره وسخر لكم
کشتی را تا روان شود در دریا بفرمان او و مسخر کردانید برای شما
الأنهار وسخر لكم الشمس والقمر
جویهارا و مسخر کردانید برای شما آفتاب و ماه
دائبين وسخر لكم الليل والنهار و
در حالتی که بپای یکدیگر آینده باشند و مسخر کرد برای شما شب و روز را
آتاكم من كل ما سألتموه وإن تعدوا
و عطا کرد شما را از هر چیز که خواستید او را و اگر خواهید شماره کنید
نعمة الله لا تحصوها إن الإنسان لظلوم كفار
نعمت خدا را شماره نتوانید کرد آنرا بدرستی که آدمی هر آینه ستمکار ناسپاس
ربنا إني أسكنت من ذريتي بواد غير ذي
پروردگارا بدرستی که من ساکن کردانیدم بعضی از فرزندان خود را بوادی
زرع عند بيتك المحرم ربنا ليقيموا الصلوة
بی کشت نزدیک خانه تو که حرامست پروردگار ما تا بپای دارند نماز را
فاجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم وارزقهم
پس بکردان دلهای بعضی از مردمان مایل و راغب بسوی ایشان و روزی ده
من الثمرات لعلهم يشكرون
از انواع میوها شاید ایشان شکر کنند

مددناها وألقينا فيها رواسي وأنبتنا فيها
کشیدیم ما آنرا و افکندیم در آن کوههای ثابت و رویانیدیم در آن
من كل شيء موزون وجعلنا لكم فيها
از هر چیزی سنجیده شود و کردانیدیم از برای شما در آن
معايش ومن لستم له برازقين وإن من
معیشتها و آنکس که نیستید شما مر او را روزی دهندکان و نیست هیچ
شيء إلا عندنا خزائنه وما ننزله إلا بقدر معلوم
چیزی مکر نزد ماست خزینهای آن و نمیفرستیم ما آنرا مکر باندازه دانسته شده
وأرسلنا الرياح لواقح فأنزلنا من السماء ماء
و فرستادیم ما بادها را آبستن کننده پس فرو فرستادیم از آسمان آب را
فأسقيناكموه وما أنتم له بخازنين والله
پس سیراب کردانیدیم شما را آن و نبودید شما مر او را نکاهدارندکان و خدا
أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض بعد موتها
فرو فرستاد از آسمان آبی را پس زنده کردانید بسبب آن زمین را بعد از
مردن آن
إن في ذلك لآية لقوم يسمعون وإن لكم في
بدرستی که در این هر آینه نشانیست از برای گروهی که بشنوند و بدرستی که مر شما راست
الأنعام لعبرة نسقيكم مما في بطونه من
چهارپایان هر آینه عبرتی می‌آشامانیم شما را از آنچه در شکمهای ایشانست

بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربين
ازمیان سرگین وخون شیری صاف روان گوارنده مر آشامندگان را
ومن ثمرات النخيل والاعناب تتخذون منه
وبعض از میوهای درختان خرما و انواع انگورهاست که فرا میگیرید از آن
سكرا ورزقا حسنا ان في ذلك لاية لقوم
مست کننده و روزی به راستی که در این مرا نشانی مر گروه
يعقلون ضرب الله مثلا عبدا مملوكا
هر دارای عقل را زد خدا مثلی که بنده زر خرید
لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا حسنا
که توانا نیست بر چیزی و کسی که روزی دادیم او را از نزد خود روزی نیکو
فهو ينفق منه سرا وجهرا هل يستوون
پس او نفقه میکند از آن پنهان و آشکارا آیا که برابر بوند
الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون وضرب الله
سپاس مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمی دانند و زد خدا
مثلا قرية كانت امنة مطمئنة يأتيها
از روی مثل ده را که بودند ایمن و آرمیده اهل آن میآمد ایشان را
رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم
روزی ایشان فراخی از هر جا پس ناسپاسی کردند به نعمتهای

الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا
خدا پس چشانید ایشان را خدا طعم گرسنگی و ترس و بیم بسبب آنکه بودند
يصنعون ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم
که میکردند و بدرستی و تحقیق که آمد ایشان را پیغمبری هم از ایشان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را
العذاب وهم ظالمون فكلوا مما رزقكم الله
عذاب خدا و ایشان ستمکاران بودند پس بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا
حلالا طيبا واشكروا نعمة الله ان كنتم اياه تعبدون
روزی حلال پاکیزه و شکر کنید نعمت خدا را اگر هستید که خاص او را می پرستید
ان ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
بدرستی که پروردگار تو گشاده میکند روزی را برای کسی که میخواهد و تنگ میکند
انه كان بعباده خبيرا بصيرا ولا تقتلوا
بدرستی که او هست به بندگان خود خبردار بینا و مکشید
اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم ان
فرزندان خود را از ترس درویشی که ما روزی میدهیم ایشان را و شما را بدرستی
قتلهم كان خطأ كبيرا قل لو انتم تملكون خزائن
کشتن ایشان هست خطای بزرگ بگوی اگر شما مالک میشدید خزینهای
رحمة ربي اذا لامسكتم خشية الانفاق وكان
رحمت پروردگار مرا آنگاه هر آینه امساک میکنید از ترس نفقه کردن و هست

الإنسان قتورا (الكهف) وكذلك بعثناهم ليتساءلوا

آدمی بسیار تنگ گیرنده بر خود — و همچنین برانگیختیم ما ایشان را تا پرسش کنند

بينهم قال قائل منهم كم لبثتم قالوا لبثنا

میان خود گفت گوینده از ایشان مقدار درنگ کردید گفتند درنگ

يوما أو بعض يوم قالوا ربكم أعلم بما لبثتم

کردیم روزی یا پاره از روزی گفتند پروردگار شما داناتر است بانچه درنگ کردید

فابعثوا أحدكم بورقكم هذه إلى المدينة فلينظر

پس بفرستید یکی از خود را با درم خود که با شماست باین شهر

أيها أزكى طعاما فليأتكم برزق منه وليتلطف

تا نظر کند که کدام از آنها پاکیزه تر است طعام او پس بیارد شما را روزی از آن

ولا يشعرن بكم أحدا (مريم) لا يسمعون فيها لغوا إلا

و آگاه نکند از شما یکی را — نشنوند ایشان در بهشت بیهوده مگر

سلاما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا يا بني

سلام و تحیت و مر ایشان راست روزی ایشان در آن صباح و شام ای فرزندان

إسرائيل قد أنجيناكم من عدوكم وواعدناكم

یعقوب بتحقیق که رهانیدیم ما شما را از دشمن شما و وعده کردیم با شما

جانب الطور الأيمن ونزلنا عليكم المن

در جانب کوه طور که مبارکست و فرو فرستادیم ما بر شما گزانگبین

والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم

و مرغ بریان را — بخورید از پاکیزه هر آنچه روزی دادیم ما شما را

ولا تطغوا فيه فيحل عليكم غضبي ومن يحلل عليه غضبي

و از حد در مگذرید در آن که فرود آید بر شما غضب و خشم من و هر که فرود آید

فقد هوى وإني لغفار لمن تاب وآمن وعمل

پس بتحقیق که فرو رفت و بدرستی که من هر آینه آمرزنده ام آن کس را که توبه

صالحا ثم اهتدى ولا تمدن عينيك إلى

و ایمان آورد و عمل نیکو کرد پس راه راست یافت والبته مکش دو چشم خود را بانچه

ما متعنا به أزواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا

بانچه برخورداری دادیم ما بان جماعتی را از ایشان بارایش زندگانی دنیا

لنفتنهم فيه ورزق ربك خير وأبقى وأمر

تا که بیازماییم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر و پاینده تر است — و امر نما

أهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسألك رزقا

اهل و فرزندان خود را بنماز و صبر کن بران نمی پرسیم ما ترا از روزی دادن

نحن نرزقك والعاقبة للتقوى (الحج) ولكل

ما روزی میدهیم ترا و سرانجام نیکو پرهیزکاران راست — و برای

أمة جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم

هر گروهی گردانیدیم ما مکان عبادت تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه روزی داد ایشان را

من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد فله اسلموا
از حیوانات چهارپایان پس معبود شما معبودیست یگانه پس مر او را منقاد و گردن نهید
وبشر المخبتين الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم
و بشارت ده نیکوکاران را آنانکه هرگاه یاد کرده شود خدا بترسید دلهای ایشان
والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة و
و صبر کنندگانند بر آنچه میرسد ایشان را از مصیبت و بپای دارندگان نماز را و
مما رزقناهم ينفقون قل يا ايها الناس انما
از آنچه روزی دادیم ایشان را نفقه میکنند بگو ای گروه مردمان نیستم
انا لكم نذير مبين فالذين امنوا وعملوا الصالحات
مر شما را مگر بیم کننده ظاهر پس آنانکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند
لهم مغفرة ورزق كريم والذين هاجروا
مر ایشان راست آمرزش و روزی بزرگوار و آنانکه هجرت کردند در
في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله رزقا
راه خدا بعد از آن کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد ایشان را خدا
حسنا وان الله لهو خير الرازقين النور ولولا فضل
روزی دادنی نیکو و بدرستی که خدا هر آینه او بهترین روزی دهندگانست و اگر نه فضل
الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم
خدا بر شما باشد و رحمت او و آنکه خدا بسیار توبه قبول کننده است

ولولا فضل الله عليكم ورحمته في الدنيا والاخرة
و اگر نه فضل خدا بر شما باشد و رحمت او در دنیا و آخرت
لمسكم فيما افضتم فيه عذاب عظيم ولولا فضل
هر آینه برسد شما را در آنچه شروع کرده اید در آن عذابی بزرگ و اگر نه فضل
الله عليكم ورحمته وان الله رءوف رحيم و
خدا بودی بر شما و رحمت او و آنکه خدا بسیار مهربان و رحم کننده است و
لولا فضل الله عليكم ورحمته ما زكى منكم من
اگر نه فضل خدا بودی بر شما و رحمت او و آنکه پاک نمیشد از شما
احد ولكن الله يزكي من يشاء والله سميع عليم
هیچیک ولیکن خدا پاک میکرداند هر کرا میخواهد و خدا شنوای داناست
يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم
روزی که گواهی دهد بر ایشان زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پایهای ایشان
بما كانوا يعملون يومئذ يوفيهم الله دينهم
با آنچه بودند که عمل میکردند در آن روز تمام میکرداند خدا جزای ایشان را
الحق ويعلمون ان الله هو الحق المبين الخبيثات
که حق است و میدانند که خدا اوست حق ظاهر و روشن زنان پلید
للخبيثين والخبيثون للخبيثات والطيبات
مر مردان پلید راست و مردان پلید مر زنان پلید راست و زنان پاکیزه

لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّؤُونَ
مردان پاکیزه را و مردان پاکیزه مر زنان پاکیزه را آن پاک کرده شده اند

مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
از آنچه میگویند مر ایشانراست آمرزش و روزی بزرگوار

الشعراء

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي
خداوندی که آفرید مرا پس او راه مینماید مرا و خداوندی که طعام میدهد مرا

وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي
و آب میدهد مرا و هرگاه بیمار شدم پس او شفا میدهد مرا و خداوندی

يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي
که میمیراند مرا پس زنده میگرداند مرا و خداوندی که امید دارم آنکه بیامرزد برای من

خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ
گناه مرا در روز جزا پروردگارا ببخش مرا علم و حکمت و در

أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ
رسان مرا به نیکوکاران و بگردان مرا زبان راست گوی

فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ
در پسینیان و بگردان مرا از میراث گیرندگان بهشت پر نعمت

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ وَلَا تُخْزِنِي
و بیامرز مر پدر مرا بدرستی که او هست از گمراهان و رسوا مگردان مرا

يَوْمَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ
روزی که برانگیخته شوند روزی که نفع نکند نه مال و نه فرزندان مگر کسی

أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ النمل قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
که بیاورد خدا را دلی سلامت از کفر بگو سپاس مر خدا را و سلام باد

عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ
بر بندگان او آنانکه برگزید ایشان را آیا خدا بهتر است یا چیزی که شریک میگردانید

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ
آیا کیست که آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد برای شما

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ
از آسمان آبی را پس رویانیدیم ما بآن باغهای صاحب نیکویی

مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ
و خوشی نیست در عبادت میسر شما را آنکه برویانید درخت آن را آیا معبودی هست با خدا

بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا
بلکه ایشان گروهی اند که بیرون میروند از راه حق آیا کیست که گردانید زمین را قرارگاه

وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَ
و گردانید میان آن جویها و گردانید برای آن کوههای بلند و

جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
گردانید میان دو دریا مانعی آیا معبودی هست با خدا بلکه بیشتر

لا يعلمون ـ أمّن يجيب المضطر إذا دعاه ويكشف

ايشان نميدانند آيا كيست كه اجابت ميكند بيچاره را هرگاه بخواند او را

السوء ويجعلكم خلفاء الأرض أإله مع الله

و برميدارد بدي را و ميگرداند شما را جانشينان زمين آيا معبودي هست با خدا

قليلا ما تذكرون أمّن يهديكم في ظلمات البر

اندكيست كه شما پند گيريد آيا كيست كه راه مينمايد شما را در تاريكيهاي بيابان

والبحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته

و دريا و كيست كه ميفرستد بادها را بشارت دهنده پيش رحمت

أإله مع الله تعالى الله عما يشركون أمّن يبدؤا

آيا معبودي هست با خدا منزه است خدا از آنچه انباز گيرند او را آيا كيست كه بدو

الخلق ثم يعيده ومن يرزقكم من السماء والأرض

آفريدگان را باز ميگرداند او را و كيست كه روزي ميدهد شما را از آسمان و زمين

أإله مع الله قل هاتوا برهانكم إن كنتم صادقين

آيا معبودي هست با خدا بگوي بياريد حجت و دليل خود را اگر هستيد راست گويان

القصص وإذا يتلى عليهم قالوا آمنا به إنه الحق من

و هرگاه خوانده شود بر ايشان گويند گرويديم بآن بدرستي كه آن راستست

ربنا إنا كنا من قبله مسلمين أولئك يؤتون

از پروردگار ما بدرستي كه ما بوديم پيش از آن منقادان اين گروه داده شوند

أجرهم مرتين بما صبروا ويدرؤن بالحسنة

مزد ايشان دو باره بآنچه صبر كردند و دفع ميكنند بنيكي كردن

السيئة ومما رزقناهم ينفقون وقالوا إن

بدي را و از آنچه روزي داده ايم ايشان را نفقه ميكنند و گفتند اگر

نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا أولم نمكن

پيروي كنيم ما راه راست با تو ربوده شويم از زمين خود آيا و ما ممكن نگردانيديم

لهم حرما آمنا يجبى إليه ثمرات كل شيء رزقا

ايشان را حرمي ايمن كه آورده ميشود بسوي آن ميوه هاي هر چيز

من لدنا ولكن أكثرهم لا يعلمون وأصبح الذين

و بامداد كردند

تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن الله يبسط

آنانكه آرزو ميكردند جاي او را دي روز ميگويند اي واي بر ما خدا ميگشايد

الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر لولا أن منّ

روزي را براي هر كه بخواهد از بندگان خود و تنگ ميكند اگر نه آنست

الله علينا لخسف بنا ويكأنه لا يفلح الكافرون العنكبوت

كه منت نهاد خدا بر ما هر آينه فرو ميبرد ما را اي واي بدرستي كه رستگار نميشوند كافران

إنما تعبدون من دون الله أوثانا وتخلقون إفكا

اينست جز اين نيست كه ميپرستيد از غير خدا بتان را و ميسازيد دروغ

إن الذين تعبدون من دون الله لا يملكون لكم
بدرستی که آنانکه میپرستند از غیر خدا قادر نمیشوند مر شما را
رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه و
روزی دادن پس طلب کنید از نزد خدا روزی را و پرستش کنید او را و
اشكروا له إليه ترجعون وكأين من دابة
شکر کنید مر او را بسوی او باز گردیده شوید و چندی از جنبنده است
لا تحمل رزقها الله يرزقها وإياكم وهو السميع
که بر نمیتوانند داشت روزی خود را خدا روزی میدهد او را و شما را و او است شنوای
العليم ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض
بینا و هر آینه اگر بپرسی ایشان را از کیست که آفریده آسمانها و زمین را
وسخر الشمس والقمر ليقولن الله فأنى يؤفكون
و مسخر کرد آفتاب را و ماه را هر آینه گویند البته خدا است پس بکجا میگردند
الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر
خدا میگستراند روزی را برای هر که میخواهد از بندگان خود و تنگ
له إن الله بكل شيء عليم ولئن سألتهم من نزل
میگرداند او را بدرستی که خدا بهر چیزی دانا است و هر آینه اگر بپرسی ایشان را از کیست
من السماء ماء فأحيى به الأرض بعد موتها
فرو فرستاد از آسمان آب را پس زنده گردانید بآن زمین را پس از مردن آن

ليقولن الله قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعقلون الروم
هر آینه گویند البته خدا است بگوی سپاس خدا را بلکه بیشتر ایشان تعقل نمیکنند
أو لم يروا أن الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
آیا و ندیدند آنکه بدرستی که خدا میگشاید روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میگرداند
إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون فآت
بدرستی که در این افعال هر آینه نشانها است برای قومی که میگروند پس بده خویشاوند
ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ذلك
خویش را و درویش را و غریب را این
خير للذين يريدون وجه الله وأولئك هم
بهتر است برای آنانکه اراده میکنند رضای خدا را و آن گروه ایشانند
المفلحون وما آتيتم من ربا ليربو في أموال
رستگاران و آنچه دادید از سود زیادتی تا زیاده شود در مالهای
الناس فلا يربو عند الله وما آتيتم من
مردمان پس زیاده نمیشود نزد خدا و آنچه دادید از
زكوة تريدون وجه الله فأولئك هم المضعفون
زکوة مال میخواهید رضای خدا را پس آن گروه ایشانند دو باره کنندگان
الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم
خدای آنکیست که آفرید شما را پس روزی داد شما را پس میمیراند شما را

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ
باز زنده کند شما را آیا هیچ از انبازان شما کسی هست که بکند از این
ذٰلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ
افعال هیچ چیز پاکست و منزه و بلندست شان او از آنچه شریک می آورند

السجده

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ
بر میدارند پهلوهای خود را از بستر خواب میخوانند
رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
پروردگار خود را از روی ترس و امید و از آنچه روزی دادیم ایشان را نفقه میکنند
فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً
پس نمیداند هیچ نفسی آنچه پوشیده است برای ایشان از روشنائی چشمها
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

الاحزاب

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ
پاداش آنچه بودند که عمل میکردند و هر که فرمان برداری کند از شما
لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ
خدای را و رسول او را و عمل نیکو کند بدهیم او را مزد او دو باره و آماده
وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

سبا

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا
ساخته ایم برای او روزی بزرگوار تا پاداش دهد آنان را که گرویدند
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
و عمل صالح کردند آن گروه مر ایشان راست آمرزشی و روزی

کریم

كَرِيمٌ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ
بزرگوار هر آینه بتحقیق که بود مر شهر سبا را در مسکنهای ایشان نشانه دو بوستان
عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا
یکی از راست و یکی از چپ گفتیم بخورید از روزی پروردگار خود و شکر
لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ
کنید مر او را که این شهری خوشست و پروردگاری آمرزنده بگوی کیست که روزی دهد
مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ
شما را از آسمانها و زمین بگوی خدای است و بدرستی که ما یا شما
لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قُلْ إِنَّ رَبِّي
بر راه راستیم یا در گمراهی روشن بگوی بدرستی که پروردگار
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ
من میگستراند روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میگیرد و لیکن بیشتر مردمان
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ
مردمان نمیدانند بگوی بدرستی که پروردگار من میگستراند
لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ
روزی را برای هر که میخواهد از بندگان خود و تنگ میگیرد مر او را و آنچه نفقه
شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

فاطر

يَا أَيُّهَا
کردید از چیزی پس آن میماند او را و بهترین روزی دهندگان ای گروه

الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق
مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست
غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا
غیر خدا روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست هیچ معبودی
هو فانى تؤفكون ان الذين يتلون كتاب
او پس کجا بازمیگردید دروغ بدرستیکه آنانکه میخوانند کتاب خدا را
الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم
و برپای میدارند نماز را و نفقه میکنند از آنچه روزی داده ایم
سرا وعلانية يرجون تجارة لن تبور ليوفيهم
ایشان را پنهان و آشکارا امید میدارند بازرگانی را که هیچ زیان نکند
اجورهم ويزيدهم من فضله انه غفور
تا تمام داده شوند اجرهای خود و زیاده کند ایشان را از فضل خود بدرستیکه او
شكور واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله
آمرزنده سپاس پذیرنده است و چون گفته شد مر ایشان را که نفقه کنید از آنچه روزی داد شما را خدا گفتند
قال الذين كفروا للذين امنوا انطعم من لو
آنها که کافر شدند مر آنها را که ایمان آورده اند که آیا طعام
يشاء الله اطعمه ان انتم الا فى ضلال مبين
دهیم کسی را که اگر میخواهد خدا طعام دهد او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر و روشن

اولئک

اولئك لهم رزق معلوم فواكه وهم مكرمون
آن گروه مر ایشان راست روزی دانسته انواع میوها و ایشان گرامی کرده شدگان
فى جنات النعيم على سرر متقابلين ان هذا
در بهشتهای پر نعمت بر تختها نشسته برابر یکدیگر بدرستیکه این
لرزقنا ما له من نفاد اولم يعلموا ان الله يبسط
روزی ماست نیست مر او را هیچ بنا آمدن آیا ندانستند آنکه خدای
الرزق لمن يشاء ويقدر ان فى ذلك لايات
میگشاید روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میگیرد بدرستیکه در این
لقوم يؤمنون قل يا عبادى الذين اسرفوا
نشانهاست برای قومی بگوی ای بندگان من آنانکه درگذشتند از حد
على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر
بر نفسهای خود که نومید مباشید از رحمت خدا بدرستیکه خدای میآمرزد
الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم
گناهان شما را تمام بدرستیکه او همین اوست آمرزنده مهربان
المؤمن
الله الذى جعل لكم الارض قرارا والسماء بناء و
خدا آنچنانیست که گردانید برای شما زمین را جهة آرام شما و آسمان بنای
صوركم فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبات
و صورت داد شما را پس نیکو و صورتهای شما را و روزی داد شما را از پاکیزه ها

ذلکم الله ربکم فتبارک الله رب العالمین الشوری
اینست خدا پروردگار شما پس بزرگست خدا که پروردگار عالمیانست
له مقالید السموات والارض یبسط الرزق
مر اوراست کلیدهای آسمانها و زمین میگشاید روزی را
لمن یشاء ویقدر انه بکل شیء علیم الله لطیف
برای هرکه میخواهد وتنگ میگیرد بدرستی که او بهر چیزی داناست
بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز
بندگان خود روزی میدهد هرکرا میخواهد وان خدا قوی عزیزست
ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض
واگر بگستراند خدا روزی را برای بندگان خود هرآینه ستم کنند در زمین
ولکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر
ولیکن فرو میفرستد باندازه آنچه میخواهد بدرستی که او ببندگان خود
بصیر وهو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا
آگاه و بیناست واوست آنکسی که فرو میفرستد باران را از پس آنکه نومید شده
وینشر رحمته وهو الولی الحمید والذین
بودند و بگستراند رحمت خود را واوست ستوده شده وانانکه
استجابوا لربهم واقاموا الصلوة وامرهم
اجابت میکنند امر پروردگار خود را و بپای میدارند نماز را و امرایشانرا

شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون جاثیه
مشورتست میان ایشان و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند

بسم الله الرحمن الرحیم

حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ان
فرو فرستادن کتابست از خدای غالب محکم کار بدرستی
فی السموات والارض لآیات للمؤمنین وفی خلقکم
در آسمانها و زمین هرآینه نشانهاست برای مومنان و در آفرینش شما
وما یبث من دابة آیات لقوم یوقنون واختلاف
و آنچه پراکنده است از جنبنده نشانهاست از برای قومی که یقین دارند
اللیل والنهار وما انزل الله من السماء من رزق
و اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی پس
فاحیا به الارض بعد موتها وتصریف الریاح
زنده گردانید بآن زمین را پس از مردن آن و گردانیدن بادها
آیات لقوم یعقلون ولقد آتینا بنی اسرائیل
نشانهاست برای قومی که تعقل کنند و هرآینه بتحقیق که دادیم فرزندان
الکتاب والحکم والنبوة ورزقناهم من
یعقوب را کتاب و حکمت و پیغمبری و روزی کردیم ایشانرا از

الطيبات وفضلناهم على العالمين ونزلنا

پاکیزها وفضل نهادیم ایشانرا بر عالمیان زمان خود وفرو فرستادیم

من السماء ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب

از آسمان آبی باخیر وبرکت پس برویانیدیم بان بوستانها ودانهٔ

الحصيد والنخل باسقات لها طلع نضيد رزقا

درو کرده شده وخرمابنان بلند مر انرا است شکوفه بر هم نشانده شده روزی

للعباد واحيينا به بلدة ميتا كذلك الخروج

روزی بندگان وزنده گردانیدیم بان شهری مرده را همچنین است

والذاريات وفي السماء رزقكم وما توعدون فورب

ودر آسمانست روزی شما وانچه وعده داده میشوید پس

السماء والارض انه لحق مثل ما انكم تنطقون

قسم بپروردگار آسمان وزمین که این هر آینه حقست مانند آنکه شما سخن میکنید

وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين وما خلقت

وپند ده پس بدرستیکه پند دادن نفع میکند مومنانرا ونیافریدیم

الجن والانس ليعبدون ما اريد منهم من رزق

جنیان وآدمیانرا مگر از برای آنکه پرستش کنند مرا نمیخواهم از ایشان

وما اريد ان يطعمون ان الله هو الرزاق ذو القوة

هیچ روزی ونمیخواهم آنکه طعام دهند مرا بدرستی که خدا اوست روزی دهنده

المتين الجمعة واذا راوا تجارة او لهوا انفضوا اليها

صاحب قوت محکم وهرگاه ببینند بازرگانی یا بازیچه پراکنده شوند بسوی آن

وتركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو

ومیگذارند ترا ایستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از بازی

ومن التجارة والله خير الرازقين المنافقون وانفقوا مما

واز بازرگانی وخدا بهترین روزی دهندگانست ونفقه کنید

رزقناكم من قبل ان ياتي احدكم الموت فيقول

روزی دادیم شما را از آن پیش که بیاید یکی را از شما مرگ پس گوید

رب لولا اخرتني الى اجل قريب فاصدق واكن

پروردگارا چرا مهلت ندادی مرا تا مدتی نزدیک پس من تصدق کنم وباشم

من الصالحين ولن يؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها

از جملهٔ نیکوکاران وهرگز مهلت ندهد خدا هیچ نفسی را چون آمد اجل

والله خبير بما تعملون الطلاق ومن يتق الله يجعل

مدت او وخدا آگاهست بانچه میکنید وهر که بترسد از خدا بگرداند

له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل

برای او بیرون شدی وروزی دهد او را از جائی که نمی‌پندارد وهر که توکل

على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل

بر خدای تعالی پس او کافیست او را بدرستی که خدا رساننده کار است وبتحقیق گردانید

الله لكل شيء قدرا لينفق ذو سعة من سعته
خدای برای هر چیز اندازه تا نفقه کند صاحب توانگری از توانگری
ومن قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله لا يكلف
خود و هر که تنگ گرفته شود بر وی روزی او پس باید که نفقه کند از آنچه داده است او را
الله نفسا الا ما آتاها سيجعل الله بعد عسر يسرا
خدا تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر بآنچه داده است او را زود میگرداند خدا بعد از دشواری
ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا يدخله جنات
و هر که ایمان آورد بخدا و عمل میکند شایسته تر در آورد او را در بهشتها
تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا قد
که روان باشد از زیر آن جویها و همیشه در آن باشند دایم تحقیق
احسن الله له رزقا الله الذي خلق سبع سموات
که نیکو داد خدا مر ورا روزی خدای آنکس است که آفرید هفت آسمانها را
ومن الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا
و از زمین نیز مثل آنها فرود میفرستد فرمان میان آنها تا بدانید
ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل
آنکه بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است و آنکه بدرستی که خدا بتحقیق که فرا گرفته
شيء علما **الملك** هو الذي جعل لكم الارض
هر چیز را از روی علم او است خداوندی که گردانید برای شما زمین را رام

ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه واليه
پس بروید در کنارهای آن و بخورید از روزی او و بسوی او است
النشور امن هذا الذي يرزقكم ان امسك رزقه
برانگیختن آیا کیست آنکس که روزی دهد شما را اگر نگاه دارد خدا
بل لجوا في عتو ونفور **الفجر** ان ربك لبالمرصاد
روزی خود را بلکه لجاج کردند در سرکشی و گریختن بدرستیکه پروردگار تو در کمین گاه است
فاما الانسان اذا ما ابتلاه ربه فاكرمه ونعمه
پس اما آدمیان هرگاه می آزماید او را پروردگار او پس گرامی کرد او را و نعمت داد او را
فيقول ربي اكرمن واما اذا ما ابتلاه ربه
پس میگوید پروردگار من گرامی کرد مرا حقا که نه چنین است بلکه شما
فقدر عليه رزقه فيقول ربي اهانن كلا
پس تنگ گرفت بر وی روزی او را پس میگوید پروردگار من خوار کرد مرا حقا
بل لا تكرمون اليتيم ولا تحاضون على
که نه چنین است بلکه شما گرامی نمیکنید یتیم را و ترغیب نمیکنید مردم
طعام المسكين وتاكلون التراث اكلا
بر طعام دادن درویشان و میخورید میراث را خوردن بهم
لما وتحبون المال حبا جما كلا اذا دكت
و دوست میدارید مال را دوستی بسیار حقا که هرگاه خورد کرده



الارض دكا دكا وجاء ربك والملك صفا
شود زمين خورد و برد شدنی و آمد امر پروردگار تو و فرشته صف

صفا وجيء يومئذ بجهنم يومئذ يتذكر
صف و بیاورند دران روز دوزخ را دران روز پند پذیرد

الانسان وانى له الذكرى يقول يا ليتنى
آدمی و از کجا باشد او را پند پذیرفتن میگوید ای کاشکی

قدمت لحيوتى فيومئذ لا يعذب عذابه
من میفرستادم برای زندگی خود پس آن روز عذاب کرده نشود مثل عذاب او

احد ولا يوثق وثاقه احد يا ايتها
هیچ یک و بند کرده نشود مثل بند او هیچ یک ای نفس

النفس المطمئنة ارجعى الى ربك راضية
آرمیده باز گرد بسوی پروردگار خود خشنود

مرضية فادخلى فى عبادى وادخلى جنتى
پسندیده پس درآی در میان بندگان من و درآی در بهشت من



